ویژهٔ کنکور
منحصراً زبان



سیگنال ۱۰۰

زبان انگلیسی

ابوالفضل هادی‌نیا
فاطمه مرادیان فرد

خط سفید
گروه آموزشی خط سفید

بسم الله الرحمن الرحیم

کتاب آمادگی کنکور

سیگنال ۱۰۰ زبان انگلیسی

ویژه کنکور منحصراً زبان

ابوالفضل هادی‌نیا
فاطمه مرادیان فرد

خط سفید
گروه آموزشی زبان‌های خارجی

فهرست

- **مقدمه** ٤
- **بخش اول: گرامر** **۶**
  - فهرست موضوعات گرامری ۹
  - پاسخ‌نامه تشریحی ۱۰۱
- **بخش دوم: واژگان** **۱۳۹**
  - تست‌های تألیفی ۱٤۰
  - پاسخ‌نامه تشریحی ۱۸۱
  - تست‌های واژگان کنکور منحصراً زبان سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱٤۰۲ ..... ۲۱٤
  - پاسخ‌نامه تشریحی ۲۳۹
- **بخش سوم: ساختار جمله** **۲۵۹**
  - تست‌های ساختار جملهٔ کنکور منحصراً زبان سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱٤۰۲ ..... ۲۶۱
  - پاسخ‌نامه تشریحی ۲۷۹
- **بخش چهارم: کارکردهای زبان** **۲۹۶**
  - تست‌های کنکور منحصراً زبان سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱٤۰۲ ..... ۲۹۸
  - لیست اصطلاحات مهم ۳۱٤
  - پاسخ‌نامه تشریحی ۳۲۱
- **بخش پنجم: کلوز تست** **۳۳۷**
  - تست‌های کنکور منحصراً زبان سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱٤۰۲ ..... ۳۳۸
  - پاسخ‌نامه تشریحی ۳٤۶
- **بخش ششم: ریدینگ** **۳۵۵**
  - مهارت‌های خواندن و پاسخ‌گویی به سؤالات ریدینگ ۳۵۶
  - متن‌های کنکور سال‌های قبل ۳۷۰
  - پاسخ‌نامه تشریحی ۳۸۰

Chapter 1

Grammar

چند نکته در رابطه با سؤالات گرامری کنکور اختصاصی

سؤالات گرامری کنکور اختصاصی در مجموع حدود ۲۵ سوال است که به شکل‌های مختلف و در بخش‌های مختلف آزمون مطرح می‌شوند:

- ۱۵ سؤال — در بخشی مستقل تحت عنوان «Grammar» و در ابتدای آزمون
- ۵ سوال — در قالب ساختار جمله (Sentence Structure)
- حدود ۵ سؤال — در متن کلوز تست (Cloze Test)

سوالات گرامری را می‌توان به لحاظ دشواری به سه گروه دسته بندی کرد:

۱) سؤالات مرتبط با موضوعات گرامری کتاب‌های درسی دوره متوسطه که از سطح دشواری متوسطی برخوردارند. (معمولاً دو تا سه سوال)

اختصاصی ۱۴۰۰

• We had the volume turned down, so I couldn't make out what the characters in the film ..... about.

1) would be talking 2) had talked 3) have talked 4) were talking

• ما صدا را کم کردیم، بنابراین من نمی‌توانستم بفهمم شخصیت‌های داخل فیلم در مورد چه چیزی داشتند صحبت می‌کردند.

● در این تست با توجه به معنی جمله، اشاره به عملی است که در طی زمان مشخصی در گذشته (هنگام تماشای فیلم) در حال انجام بوده است بنابراین به فعل گذشتهٔ استمراری نیاز داریم، یعنی گزینهٔ ۴. (گرامر درس دوم پایهٔ یازدهم)

۲) سوالاتی که مرتبط با موضوعات گرامری کتاب‌های درسی هستند، اما سطح دشواری آن‌ها بالاتر است، مثلا:

- ساختار جمله دشوارتر است
- دو یا سه نکته گرامری در سؤال مطرح می‌باشد.
- سوال در رابطه با موضوع گرامری ولی فراتر از سطح کتاب‌های درسی است، مانند شرطی نوع سوم، کاربرد حروف اضافه با ضمایر موصولی و نظایر آن.

به مثال زیر از کنکور منحصراً زبان سال ۹۸ که در رابطه با جملات شرطی ولی فراتر از سطح کتاب درسی است، توجه کنید:

اختصاصی ۱۳۹۸

• Unless you make sure that the flowers ..... soon, they will go dead.

1) to water 2) you water 3) be watered 4) are watered

• مگر این که اطمینان حاصل کنید که گل‌ها فوراً آب داده شوند و گرنه خشک خواهند شد.

● این سؤال در رابطه با جمله‌های شرطی است، اما به جای if از unless (مگر اینکه) استفاده شده که در کتاب‌های درسی متوسطه به آن اشاره‌ای نشده است. همان‌طور که می‌بینید فعلِ جملهٔ نتیجهٔ شرط به زمان آیندهٔ ساده است، بنابراین، جمله، شرطی نوع اول و فعلِ جمله شرط، باید به زمان حال ساده باشد. از طرف دیگر، flowers (گل)کنندهٔ کار نیست و نمی‌تواند فاعلِ فعلِ«آب دادن» باشد (نمی‌گوییم: .. ~~گل‌ها زود آب دادند~~)، بنابراین به فعل مجهول نیاز داریم و گزینهٔ ۴ صحیح است.

۳) سوالات گرامری مرتبط با موضوعاتی که به صورت مستقیم در کتاب مطرح نشده اند، اما در بخش‌های مختلف کتاب درسی یا کتاب کار به کار رفته‌اند، مانند:

- کاربرد مصدر برای بیان هدف
- کاربرد حرف اضافه با ضمایر موصولی
- حروف ربط قیدی مانند while، although، whereas و ...
- کاربرد مصدر یا اسم مصدر به شکل مجهول
- جمله واره‌های وصفی کوتاه شده (عبارت وصفی)
- جمله واره‌های موصولی غیر توصیفی (معترضه توضیحی) و نظایر آن.

عمومی (خارج) ۹۸

• Behind a house ..... he lives, there are a lot of orange trees.

1) that 2) which 3) in which 4) in there

• در پشت خانه‌ای که او در آن زندگی می‌کند، تعداد زیادی درخت پرتقال وجود دارد.

● برای توصیف یک مکان چنانچه نقش قیدی داشته باشد، می‌توانیم از where یا با توجه به معنی جمله، از حرف اضافهٔ مناسب و which استفاده کنیم.

۴) سوالات گرامری در ارتباط با موضوعاتی که کاملاً خارج از کتاب‌های درسی هستند، مانند:

- وارونگی inversion
- وجه التزامی subjunctive
- کاربرد وجه وصفی فاعلی یا مفعولی به‌جای جمله واره‌های قیدی
- جمله واره‌های اسمی و نظایر آن

اختصاصی ۱۴۰۰

• The professor said it was imperative that assignments ..... handed in on or before their due date.

1) would be　　2) had been　　3) to be　　4) be

• استاد گفت که لازم است تکالیف در مهلت مقرر و یا قبل از آن تحویل داده شوند.

● پس از عبارت it was imperative نیاز به وجه التزامی (ریشهٔ فعل) داریم، بنابراین گزینهٔ ۴ صحیح است. ضمنا با توجه به معنی جمله (تکالیف باید تحویل داده شوند) به فعل مجهول نیاز داریم که باید be + PP باشد (be handed).

چند نکتهٔ در رابطه با پاسخ به سؤالات گرامری:

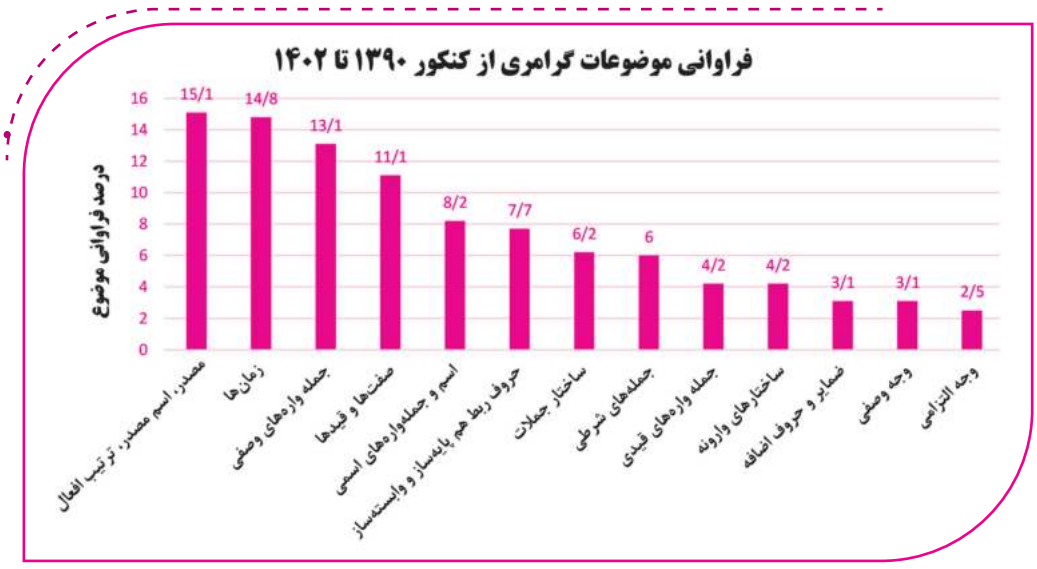
۱ قبل از پاسخ به سوالات گرامری نگاهی به گزینه‌ها بیندازید و سعی کنید موضوع سوال را حدس بزنید.

۲ در بسیاری از موارد، پاسخ به سوالات گرامری مستلزم درک مفهوم کلی جمله است.

۳ در پاسخ به سوالات گرامری، ترجمه گزینه‌ها می‌تواند به شما در یافتن پاسخ صحیح کمک کند، البته باید در ترجمه گزینه‌ها دقت لازم را داشته باشید.

٤ موضوع بسیاری از سؤالات گرامری ترکیبی است، یعنی بیش از یک موضوع گرامری در سؤال و گزینه‌ها مطرح می‌باشد. این موضوع می‌تواند در خیلی از موارد به شما کمک کند با اطمینان از صحیح یا غلط بودن بخشی از یک گزینه، زودتر به پاسخ صحیح برسید.

۵ به فراوانی هر یک از موضوعات گرامری در آزمون‌های سال‌های گذشته، توجه ویژه‌ای داشته باشید و به موضوعاتی که بیشترین فراوانی را داشته‌اند وقت بیشتری اختصاص داده و بیشتر تمرین کنید. به درصد فراوانی هر یک از موضوعات گرامری از مجموع ۳۶۰ سؤال گرامری در ۲۴ دوره آزمون منحصراً زبان سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ در نمودار زیر توجه کنید.



⇦ با توجه به گستردگی موضوعات گرامری، امکان توضیح کامل همهٔ آن‌ها در این کتاب میسر نیست. اما سعی کرده‌ایم در این بخش تمام موضوعات گرامری که در سؤالات آزمون‌های منحصراً زبان ۲۲ سال گذشته، از آن‌ها سؤال طرح شده است را به صورت مفصل مورد بحث و بررسی قرار داده و با مثال‌های متعدد توضیح دهیم. برای تقریباً تمام موضوعات، نمونه سؤال‌هایی از آزمون‌های عمومی و اختصاصی سال‌های گذشته را ضمیمه هر مبحث ساخته و تجزیه و تحلیل کرده‌ایم تا با نوع و شکل سؤالات و میزان دشواری آن‌ها در کنکور منحصراً زبان (اختصاصی) هر چه بیشتر آشنا شوید. برای مطالعه و تسلط بیشتر بر موضوعات گرامری، کتاب‌های «گرامر جامع کاربردی زبان انگلیسی خط سفید» و جلد دوم وسوم کتاب «English grammar in use» را به شما توصیه می‌کنیم.

فهرست موضوعات گرامری

عنوان	صفحه
زمان‌ها	۱۰
معلوم و مجهول	۲۰
ساختار "... It is + P.P. + that"	۲۲
تست	۲۴
افعال کمکی خاص	۲۹
• «فعل ساده » + can/could/may/might/must/should	۲۹
• «may/might/must/should/can/could+ have + P.P.»	۳۰
موارد کاربرد used to ، would و be/get used to	۳۱
موارد کاربرد had better ، would rather/Prefer	۳۱
تست	۳۲
جمله‌های شرطی	۳۴
شرطی نوع اول	۳۴
شرطی نوع دوم	۳۵
شرطی نوع سوم	۳۵
وارونگی در جمله‌های شرطی	۳۵
شرط عام (شرطی نوع صفر)	۳۶
شرط فرضی و ضروری	۳۶
unless	۳۷
جمله‌های شرطی مختلط	۳۷
تست	۳۷
اسم و جمله‌واره‌های اسمی	۴۰
مطابقت زمانی فعل‌ها در جمله‌واره‌های اسمی	۴۰
نقل قول مستقیم و غیر مستقیم	۴۱
جمله‌واره‌های اسمی پرسشی	۴۱
گذشتهٔ غیر واقعی	۴۱
as if/as though	۴۲
تست	۴۳
مصدر و اسم مصدر	۴۷
مصدر و موارد کاربرد آن	۴۷
اسم مصدر و موارد کاربرد آن	۴۹
موارد کاربرد فعل ساده	۵۱
جمله‌های سببی	۵۲
وجه التزامی	۵۳
تست	۵۴
معرف‌ها	۵۹
نکات کلی در مورد a/an و the	۵۹
موارد کاربرد و تفاوت few (a) و little (a)	۶۱
موارد کاربرد و تفاوت the other ، other و another	۶۱
تست	۶۲
صفت و قید	۶۴
ترتیب صفت ها	۶۴
وجه وصفی معلوم (حال)	۶۴
وجه وصفی مجهول	۶۴
جایگاه قید در جمله	۶۴
مقایسهٔ "صفت‌ها و قیدها"	۶۵
صفت تفضیلی (برتر) و صفت عالی (برترین)	۶۵
مشابهت و یکسانی	۶۶

عنوان	صفحه
موارد کاربرد و تفاوت so ، too، either و neither	۶۶
both ... and، not only ... but also و ...	۶۶
موارد کاربرد so ، too، very ،such (a/an) و enough	۶۶
جابجایی فعل کمکی و فاعل بعد از قیدهای منفی (وارونگی)	۶۷
تست	۶۹
جمله واره‌های قیدی	۷۱
جمله واره‌های قیدی زمان	۷۱
جمله واره‌های قیدی دلیل	۷۱
موارد کاربرد since و as	۷۲
موارد کاربرد whether... or...	۷۲
جمله واره‌های قیدی تضاد	۷۲
موارد کاربرد و تفاوت while و whereas	۷۲
موارد کاربرد although ، though و even though	۷۳
تفاوت although و however	۷۳
In spite of/Despite	۷۳
جمله واره‌های قیدی هدف	۷۴
موارد کاربرد so that و in order that	۷۴
کاربرد so as to ، to و in order to برای بیان هدف	۷۴
قیدهای ربط (قید جمله) در جملات مرکب	۷۴
کلمات ربط هم‌پایه ساز، وابسته ساز و مرکب	۷۵
تست	۷۷
جمله واره‌های موصولی	۸۱
جمله واره‌های موصولی توصیفی	۸۱
کاربرد حروف اضافه در جمله‌واره‌های موصولی	۸۲
کاربرد when ، where، whose و why در جمله‌واره‌های موصولی	۸۲
موارد حذف ضمیر موصولی	۸۳
جمله واره‌های توصیفی کوتاه شده (عبارت‌های توصیفی)	۸۳
کاربرد some of whom ، none of which و ...	۸۴
کاربرد which برای اشاره به تمام جمله	۸۴
جمله واره‌های موصولی غیر توصیفی (معترضهٔ توضیحی)	۸۴
موارد کاربرد وجه وصفی به جای فعل جمله واره‌های قیدی	۸۵
موارد کاربرد وجه وصفی معلوم (فعل ing دار)	۸۵
موارد کاربرد وجه وصفی کامل(having + P.P.)	۸۶
موارد کاربرد وجه وصفی مجهول (گذشته)	۸۶
تست	۸۷
پرسش‌های تأییدی	۹۲
ضمایر نامعین در پرسش تأییدی	۹۳
پرسشهای تأییدی در جمله‌های امری	۹۳
پرسشهای تأییدی در جمله‌های مرکب و پیچیده	۹۳
تست	۹۴
ضمایر تأکیدی و انعکاسی	۹۶
تست	۹۷
حروف اضافه	۹۸
افعال دو کلمه ای	۹۹
تست	۱۰۰
پاسخ تشریحی کلیهٔ سؤالات گرامری	۱۰۱

Conditionals جمله‌های شرطی

جمله‌های شرطی، جمله‌هایی هستند که نشان می‌دهند انجام یک عمل یا رسیدن به یک هدف، مشروط به انجام عملی دیگر یا وجود موقعیتی خاص است. با توجه به زمان شرط و میزان امکان یا عدم امکان وقوع یک عمل یا رویداد، سه نوع جملهٔ شرطی وجود دارد که عبارتند از:

شرطی نوع اول	شرط زمان آینده (واقعی)	**If** I **get** a good job, I **will stay** here.
شرطی نوع دوم	شرط زمان حال (غیر واقعی)	**If** I **had** enough money, I **would buy** this car.
شرطی نوع سوم	شرط زمان گذشته (غیر واقعی)	**If** he **had invited** me, I **would have gone** to the party.

	جملهٔ شرط	**جملهٔ نتیجه**
شرطی نوع اول	**If** + حال (ساده، استمراری، کامل),	**will / be going to/can / may / must / should /...** + فعل ساده
شرطی نوع دوم	**If** + گذشته (ساده، استمراری),	**would/could/might** + فعل ساده
شرطی نوع سوم	**If** + گذشته کامل (ماضی بعید)	**would/could/might + have + P.P.**

■ شرطی نوع اول First Conditional

⇦ از این نوع شرط برای اشاره به آینده ودر مواردی استفاده می‌کنیم که امکان وقوع عمل در آینده وجود دارد.

• If you study hard, you will certainly succeed.
اگر خوب درس بخوانی، حتماً موفق خواهی شد.

تذکر ۱ **فعل جملهٔ نتیجه ممکن است با سایر زمان‌های آینده (be going to ...، آیندهٔ استمراری و ...) یا با افعال کمکی که به زمان آینده اشاره دارند مانند can ، must ، should ، may ، might و ... بیاید.**

• If you send this letter now, she will receive it tomorrow.
اگر نامه را الان بفرستی، او آن را فردا دریافت خواهد کرد.

• If you don't hurry, you will miss the train.
اگر عجله نکنی، به قطار نخواهی رسید.

• I will go shopping If I have time in the afternoon.
من به خرید خواهم رفت اگر بعد از ظهر وقت داشته باشم.

• You need to practice regularly if you're going to be a good piano player.
شما نیاز است مرتب تمرین کنید اگر می‌خواهید نوازنده پیانوی خوبی شوید.

• You can't expect to have any friends if you don't make any effort with people.
اگرتلاش نکنید (شما) نمی‌توانید انتظار دوستی با کسی را داشته باشید.

• If you allow the cat to come into your house, it may never want to leave.
اگر اجازه دهید که گربه به داخل خانه‌تان بیاید، ممکن است هرگز نخواهد (آنجا را) ترک کند.

تذکر ۲ **برای بیان پیشنهاد، دستورالعمل، توصیه و نصیحت، هشدار و ...، جملهٔ نتیجه در شرطی نوع اول ممکن است به شکل امری باشد.**

• If you can't do something the first time, try again!
اگر نمی‌توانی کاری را بار اول انجام دهی، دوباره سعی کن.

• Call me if you get home early!
اگر زود به خانه رسیدی، به من زنگ بزن.

• Don't forget to lock the door if you go out!
فراموش نکن که اگر بیرون رفتی، در را قفل کنی.

• If you get home late, don't wake me up!
اگر دیر به خانه رسیدی، من را بیدار نکن!

تذکر ۳ **فعل جملهٔ شرط (به ویژه در مکالمات روزمره) ممکن است با سایر زمان‌های حال (حال استمراری، حال کامل، ...) به کار رفته یا با افعال کمکی خاص مانند may، can و should همراه باشد.**

• If you're looking for John, he's in the library.
اگر دنبال جان می‌گردی، در کتابخانه است.

• If Mary can't come, then we'll have to go without her.
اگر مری نمی‌تواند بیاید، پس ناچار خواهیم شد بدون او برویم.

تذکر ٤ **بعد از کلمات ربط زیر و برای اشـاره به زمان آینده، فعل جمله همیشـه به زمان حال (حال ساده، حال کامل و ...) به کار می‌رود:**

if	اگر...	**while**	هنگامی که ...	**as long as**	تا زمانی که؛ مادامی‌که
unless	مگر اینکه	**when**	وقتی که ...	**as soon as**	به محض این که ...
after	بعد از این که ...	**by the time**	تا وقتی که ...	**till/until**	تا زمانی که ...
before	قبل از این که ...				

• When/after/before I come home, I'll call you.
وقتی که/بعد از این که/قبل از این که به خانه برسم، به تو زنگ خواهم زد.

اختصاصی ۹۱

• **Until they ..... our room, we will wait in the hotel lobby.**

1) will prepare 2) prepared 3) have prepared 4) are preparing

• تا زمانی که آن‌ها اتاق ما را مهیا کنند، ما در سالن انتظار هتل منتظر خواهیم ماند.

● بعد از کلمات ربط if، before، after، when، until، as soon as و... و برای اشاره به آینده در جمله‌وارهٔ قیدی از زمان حال ساده یا حال کامل و در جملهٔ هسته یا اصلی از زمان آینده استفاده می‌کنیم. در این صورت جملهٔ اول، زمان حال با معنی آینده است.

until, when, after, before, if + حال ساده/حال کامل ...، آیندهٔ ساده

■ شرطی نوع دوم Second Conditional

• این نوع جملهٔ شرطی، به شرط غیر واقعی یا حال غیر واقعی معروف است، زیرا امکان انجام عمل وجود ندارد یا غیر محتمل است.

• Look at the car. It's very nice and the price is reasonable. If I had enough money, I would buy it.

به ماشین نگاه کن. خیلی قشنگ است و قیمتش هم خوب است. اگر پول کافی داشتم، آن را می‌خریدم.

تذکر چنانچه فعل جملهٔ شرط be باشد، برای تمام اشخاص و بویژه در انگلیسی رسمی‌معمولاً were به کار می‌رود. البته در مکالمات روز مره was نیز صحیح است؛ هرچند برای موقعیت‌های کاملاً تخیلی استفاده از were ارجحیت دارد.

• If I were you, I wouldn't buy that car.

اگر جای تو بودم، آن ماشین را نمی‌خریدم.

■ شرطی نوع سوم Third Conditional

• به شرطی نوع سوم، شرط «غیر واقعی» یا گذشتهٔ غیر واقعی می‌گویند که بر یک عمل فرضی در گذشته دلالت دارد.

• I didn't buy the car because it was expensive. If it had been cheaper, I would have bought it.

ماشین را نخریدم چون گران بود. اگر ارزانتر می‌بود، آن را خریده بودم.

• I was able to buy the car because John lent me some money. If he hadn't lent me the money, I couldn't have bought it.

من توانستم ماشین را بخرم چون جان مقداری پول به من قرض داد. اگر پول را به من قرض نداده بود، نمی‌توانستم آن را بخرم.

اختصاصی ۹۹

• **Bob could easily ..... a higher score on his college entrance test if he had read more in his school career.**

1) get 2) be gotten 3) be getting 4) have gotten

• باب به سهولت می‌توانست در آزمون ورودی دانشگاه نمرهٔ بهتری بگیرد، اگر در دوران مدرسه بیشتر درس خوانده بود.

● فعل جملهٔ شرط (had read) به زمان گذشتهٔ کامل است (شرطی نوع سوم)؛ بنابراین فعل جملهٔ نتیجه (قسمت اول) با توجه به حضور could در جمله، با گزینهٔ ۳ کامل می‌شود (could easily have gotten).

نکتهٔ ۹۹ فعل جمله وارهٔ شرط ممکن است به زمان گذشتهٔ کامل استمراری نیز به کار رود:

• If you had been driving more slowly, you could have stopped in time.

اگر آهسته‌تر رانندگی کرده بودی، می‌توانستی بموقع ماشین را متوقف کنی.

■ وارونگی در جملات شرطی (Inversion)

• در انگلیسی رسمی، چنانچه فعل جمله وارهٔ شرط، should (شرطی نوع اول)، were (شرطی نوع دوم) و had (شرطی نوع سوم) باشد، می‌توانیم If را حذف کنیم و این فعل‌ها را در ابتدای جمله بیاوریم. به عبارت دیگر جای فعل کمکی و فاعل وارونه (بر عکس) می‌شود.

• Should you meet Peter, tell him to call me tonight.

اگر احتمالاً پیتر را دیدی، به او بگو که امشب به من زنگ بزند.

(= If you should meet Peter, … .)

• Were she my daughter, I wouldn't send her to that high school.

اگر او دختر من بود، او را به آن دبیرستان نمی‌فرستادم.

(= If she were my daughter… .)

• Had they not taken Tom to hospital, he would have died.

اگر تام را به بیمارستان نبرده بودند، او مرده بود.

(= If they had not taken Tom … .)

اختصاصی ۱۴۰۰

• **..... for my mother living with me, I think I'd be quite lonely.**

1) Were it not 2) If there was not 3) Whether or not it was 4) Not being

• اگر به خاطر این نبود که مادرم با من زندگی می‌کند، من فکر می‌کنم کاملاً تنها بودم.

● این تست ترکیبی از شرطی و وارونگی است. چون در جملهٔ دوم، would یا آینده در گذشته به کار رفته است (I'd= I would)، با شرطی نوع دوم سرو کار داریم که هنگام تبدیل شدن به ساختار وارونه، گزینهٔ ۱ می‌شود. اصل جمله این بوده است: If it were not for my mother ... .

۵ – شرط عام (شرطی نوع صفر) General Conditional

یکی از انواع جمله‌های شرطی، شرط عام یا شرطی نوع صفر (*Zero Conditional*) است. در این نوع جملهٔ شرطی، فعل جمله‌واره شرط و نتیجهٔ شرط هر دو به زمان حال ساده است:

جمله‌واره شرط		نتیجهٔ شرط
.....	,	.....
If + حال ساده		حال ساده

از این نوع جمله‌های شرطی در موارد زیر استفاده می‌کنیم:

❶ برای بیان عملی که ممکن است در هر زمان و اغلب برای بیش از یک بار رخ دهد.

- If I eat bananas, I get red spots on my skin. — اگر موز بخورم، لکه‌های قرمزی روی پوستم می‌زند.
- If you press this key, the game starts. — اگر این دکمه را فشار دهی، بازی شروع می‌شود.

❷ برای بیان حقایق مسلم و قطعی یا اعمالی که نتیجه و پیامد آن‌ها همیشه یکسان است.

- If water freezes, it expands. — اگر آب یخ بزند، منبسط می‌شود.
- Oil floats if you pour it on water. — روغن شناور می‌ماند اگر آن را روی آب بریزید.

■ شرط ضروری (provided/ providing that, as/so long as, on condition that)

• چنانچه بخواهیم بر ضروری بودن فعل جملهٔ شرط جهت رسیدن به نتیجه تاکید کنیم، از کلمات شرط زیر استفاده می‌کنیم:

so long as	به شرطی که ، مادامی‌که	**provided (that)**	مشروط بر آنکه
on condition that	به شرطی که	**providing (that)**	مشروط بر آنکه
on the condition that	به شرطی که	**as long as**	به شرطی که ، مادامی‌که

- You can go to the party on condition that you come home before 10.
  تو می‌توانی به مهمانی بروی به شرطی که قبل از ساعت ۱۰ خانه باشی.
- You may use the room as you like, so long as you clean it up afterward.
  تو می‌توانی از اتاق هر طور دوست داری استفاده کنی به شرطی که بعدش آن را تمیز کنی.

اختصاصی ۹۵

• You can cancel the ticket ..... you tell the airline 48 hours in advance.

1) until 2) while 3) providing 4) supposing

• شما می‌توانید بلیط را کنسل کنید مشروط بر آنکه ۴۸ ساعت قبل به شرکت هواپیمایی اطلاع دهید.

■ شرط فرضی (suppose/supposing that, imagine, what if, in case of)

• برای صحبت کردن در بارهٔ یک موقعیّت فرضی از کلمات شرط زیر استفاده می‌کنیم. لازم به ذکر است هنگام استفاده از این کلمات، غالباً جملهٔ نتیجه حذف می‌شود.

what if	چه خواهد شد اگر...	**suppose**	فرض کن؛ بر فرض این که
in case	مبادا؛ چنانچه	**supposing (that)**	فرض کن؛ بر فرض این که
in case of	در صورتِ ...	**imagine**	فرض کن؛ تصور کن

- Suppose he asked you to go to the cinema, would you go? — فرض کن از تو می‌خواست به سینما بروی، آیا می‌رفتی؟
- Supposing we miss the bus, how will we get to the airport? — فرض کن به اتوبوس نرسیم، چطوری خود را به فرودگاه خواهیم رساند؟
- Imagine we could all fly. Wouldn't that be fun?! — تصور کن ما همه می‌توانستیم پرواز کنیم. خنده دار نبود؟!
- What if he doesn't arrive on time? — چه خواهد شد اگر او به موقع نرسد؟
- She gave me the key to get in the house in case you were out. — او کلید را به من داد که وارد خانه شوم مبادا تو بیرون باشی.

اختصاصی ۹۳

• **Supposing I ..... you that there's a good chance I can get tickets for the concert, what would you say?**
1) tell 2) were to tell 3) were telling 4) have told

• فرض کن که قرار بود به تو بگویم که شانس گرفتن بلیط برای کنسرت زیاد است، (در این صورت) چی می‌گفتی؟
● در شرطی نوع دوم، برای بیان یک فرض غیر واقعی، از گذشتهٔ ساده استفاده می‌کنیم. کلمهٔ supposing به جای if به کار رفته، و عبارت I were to .... یعنی «... قرار بود که »

■ unless

• **Unless به معنی «مگر اینکه» از کلمات شرط است که غالباً برای بیان شرط منفی به کار می‌رود و در اکثر موارد معادل "if ... not" است.**
• You will be late unless you leave now. (= ... *if you don't leave*... .) تو دیر خواهی رسید مگر اینکه الان بروی.
• Unless you work harder, you'll fail the exam. (= *If you don't work* ...) مگر اینکه سخت‌تر کار کنی و گرنه در امتحان رد خواهی شد.
• Unless the government changes its policy, the economic situation will get worse.
مگر اینکه دولت سیاستش را تغییر دهد و گرنه وضعیت اقتصادی بدتر خواهد شد.

■ جمله‌های شرطی مختلط (Mixed Conditionals)

• **فعل جمله وارهٔ شرط و نتیجهٔ شرط همیشه مطابق آن چه در جمله‌های شرطی نوع اول، دوم و سوم گفته شد، نیست. به عبارت دیگر ممکن است مثلاً فعل جملهٔ شرط گذشتهٔ غیر واقعی (ماضی بعید) باشد، امّا نتیجهٔ آن به زمان حال اشاره داشته و بنابراین آینده در گذشته ساده باشد.**
• If you hadn't lost your job, we wouldn't be living here. اگر شغلت را از دست نداده بودی، ما (الان) این جا زندگی نمی‌کردیم.

به چند مثال دیگر توجّه کنید:
• You wouldn't be so hungry if you had eaten a proper breakfast. تو الان این‌قدر گرسنه نبودی اگر یک صبحانهٔ درست خورده بودی.
• If I had stayed at school, I would be in university now. اگر مدرسه مانده بودم، الان در دانشگاه بودم.

⇦ **یا جملهٔ شرط، یک موقعیت فرضی با حال غیر واقعی (گذشتهٔ ساده) بیان شده باشد و و جمله نتیجه آینده در گذشتهٔ کامل (گذشتهٔ غیر واقعی) باشد.**
• If Sam spoke Russian, he would have translated the letter for you. اگر سام روسی صحبت می‌کرد، نامه را برای تو ترجمه کرده بود.

تست: جمله‌های شرطی

■ **Choose the correct answer.**

115. I think your essay ..... more effective if you made it shorter, and more direct.
1) were 2) was 3) would be 4) will be

116. If you ..... more attention in class, you would achieve better results.
1) pay 2) will pay 3) paid 4) have paid

117. We are not going to buy that house, but if it ..... a little cheaper, we ..... it.
1) is - could buy 2) was - would buy 3) will be - bought 4) were - bought

118. If your mother were here, I ..... sure she ..... let you eat all those chocolates.
1) am - didn't 2) was - didn't 3) am - wouldn't 4) was - wouldn't

119. A: I think I left my keys at your house. Have you seen them?
B: No, but I'll have a look when I get home. ..... .
1) If I find them, I'll tell you. 2) If I'll find them, I tell you.
3) If I found them, I would tell you. 4) If I found them, I told you.

120. I don't know what ..... if anything happened to him.
1) I do 2) I'll do 3) I'd do 4) I did

121. If I get the job, I'll move to Tehran. ....., I'll stay in Ahwaz.
1) If not 2) If so 3) If only 4) Only if

■ مشابهت و یکسانی Similarity and Identity

• چنانچه بخواهیم در باره‌ی مشابهت و یا یکسانی دو چیز، دو نفر، دو عمل یا موقعیت و نظایر آن صحبت کنیم از کلمات و اصطلاحات زیر استفاده می‌کنیم.

as	مانند ؛ بهمان اندازه؛ همانطور	alike	شبیه ؛ مانند هم	also	همچنین ؛ نیز		
like	شبیه ؛ همچون ؛ مثلاً	unlike	بر عکس	as well (as)	و نیز ؛ همچنین		
similar (to)	شبیه ؛ مشابه	too	همچنین ؛ نیز	the same (as)	همان جور؛ بهمان اندازه		

• Please do as I tell you. لطفا همانطور که من می‌گویم، کار را انجام بده.
• She looks just like her mother. او درست شبیه مادرش به نظر می‌رسد.
• Jane and her sister look very similar. جین و خواهرش خیلی شبیه یکدیگر به نظر می‌رسند.
• The two sisters always wear alike. آن دو خواهر شبیه یکدیگر لباس می‌پوشند.
• Green is my favorite color but I like blue too. سبز رنگ دلخواه من است اما آبی را نیز دوست دارم.
• She speaks French and she is also learning Spanish. او به زبان فرانسه صحبت می‌کند و همچنین در حال یادگیری اسپانیایی نیز هست.
• They have a house in Shiraz as well as a flat in Tehran. آنها یک خانه در شیراز و نیز یک آپارتمان در تهران دارند.
• Their car is the same color as ours. رنگ ماشین آنها به رنگ ماشین ماست.

■ موارد کاربرد و تفاوت so ، too، either و neither

• چنانچه بخواهیم دو جملهٔ مشابه را که فقط در فاعل یا مبتدا با هم فرق دارند به هم وصل کرده و از تکرار کلمات مشابه پرهیز کنیم، با توجه به مثبت و یا منفی بودن دو جمله، از ساختارهای زیر استفاده می‌کنیم:

جمله اول ---- (مثبت) -----+ and so + فاعل + فعل کمکی
جمله اول ---- (مثبت) -----+ and + فاعل + فعل کمکی + too
جمله اول ---- (منفی) ----- + and neither + فاعل + فعل کمکی(مثبت)
جمله اول ---- (منفی) ----- + and + فاعل + فعل کمکی(منفی) + either

• Sara can speak English well, and so can Sima.(..., and Sima can too.) سارا می‌تواند به خوبی انگلیسی صحبت کند، و سیما نیز همچنین.
• I was tired and so were the others.(...,and the others were too.) من خسته بودم و دیگران نیز همچنین.
• Peter can't swim, and neither can John.(..., and John can't either.) پیتر نمی‌تواند شنا کند و جان نیز همین‌طور.
• Mary doesn't like horror films, and neither does Tina.(...,and Tina doesn't either.)
مری فیلم‌های وحشت را دوست ندارد و تینا نیز همچنین.

تذکر در انگلیسی بریتانیایی بجای neither می‌توان از nor استفاده کرد.

• She couldn't answer all the questions, and nor could I. او نتوانست به همه پرسش‌ها پاسخ دهد و من نیز همین‌طور.

■ not only ... but also ...، both ... and ... و ...

• ... both ... and به معنی ' هم ... هم ... ' است و دو کلمه و یا عبارت متوازن وهم‌پایه را به هم وصل می‌کند. به عبارت دیگرکلمه‌ها و یا عبارت های بکار رفته بعد از both و and غالباً شبیه به هم هستند.

• I spoke to both the manager and his secretary. من هم با مدیر و هم با منشی‌اش صحبت کردم.

• ... not only ... but also به معنی ' نه تنها ... بلکه ... ' می‌باشد.

• I not only borrowed money from Tom, but also from his wife. من نه تنها از تام، بلکه از همسرش هم پول قرض گرفتم.

• ... either...or به معنی ' یا ... یا ... ' و ... neither...nor به معنی ' نه ... نه ... ' می‌باشد .

• The room is too crowded- either two chairs or a table has got to be moved out.
اتاق بیش از حد شلوغ است - یا دو تا صندلی یا یک میز باید به بیرون برده شود.

■ موارد کاربرد very ، so ،(a/an)such ،too و enough

• به چگونگی کاربرد too ، such ، so ، very و enough در الگوهای زیر و مثال‌های ذیل آن‌ها توجه کنید:

❶ very + صفت / قید ساده
❷ so + صفت / قید ساده + that ... .
❸ such (a/an) + (صفت) + اسم + that ... .
❹ too + صفت / قید ساده + (for + مفعول) + to + (فعل (مصدر
❺ enough + صفت / قید ساده + (for + مفعول) + to + (فعل (مصدر
❻ enough + اسم + to + (فعل (مصدر

➢ It was very cold. We stayed home. خیلی سرد بود. در خانه ماندیم.
➢ It was so cold that we stayed home. آنقدر سرد بود که در خانه ماندیم.
➢ It was such a cold day that we stayed home. چنان روز سردی بود که در خانه ماندیم.
➢ It was too cold to go out. بیش ازحد سرد بود که بیرون برویم.(بیرون نرفتیم.)
➢ It was warm enough to go out. هوا به اندازه کافی گرم بود که بیرون برویم. (بیرون رفتیم.)

• The light was so bright that I had to cover my eyes. نور آنقدر زیاد بود که من مجبور شدم چشمانم را بپوشانم.
• Tom always speaks in such a low voice that I can barely understand what he says.
تام همیشه با آن‌چنان صدای آرامی صحبت می‌کند که من به زحمت می‌فهمم چه می‌گوید.
• A child of his age is too young and inexperienced to recognize danger.
بچه‌ای به سن او بیش از حد کوچک و بی‌تجربه است که خطر را تشخیص دهد. (تشخیص نمی‌دهد)
• I could never be a teacher, I'm just not patient enough. من هرگز نمی‌توانم معلم شوم. من به اندازهٔ کافی صبور نیستم.
• Tom didn't have enough experience to do the job well. تام تجربهٔ کافی نداشت که کار را به خوبی انجام دهد.
• He'd lost so much weight that I hardly recognized him! او آنقدر وزن کم کرده است که به زحمت او را شناختم.
• This T-shirt has been washed so many times that it's lost its shape. این تیشرت آنقدر زیاد شسته شده که شکلش را از دست داده است.

تذکر **گاهی اوقات برای زیبایی جمله از الگوی زیر در ساختار so استفاده می‌کنیم:**

• **فاعل + فعل + so + صفت + a/an + اسم + ...**

He was not so quick a learner as his brother. او آن‌چنان شاگرد باهوشی (تیزی) به اندازهٔ برادرش نبود.

■ جابجایی فعل کمکی و فاعل بعد از قیدهای منفی (وارونگی Inversion)

• هرگاه جمله‌ای برای تاکید با یکی از قیدهای منفی و یا محدود کنندهٔ زیر شروع شود ، معمولاً جملهٔ بعد را باید مانند جمله‌های سؤالی با فعل کمکی شروع کنیم. به عبارت دیگر جمله شکل سؤالی دارد، ولی علامت سؤال نخواهد داشت.

Never	هرگز	Hardly	بزحمت؛ بندرت	Only ...	فقط	By no means	به هیچ وجه
Nor	و همچنین نه...	Rarely	بندرت	Not only	نه تنها	No sooner	به محض اینکه
Nowhere	هیچ جا	Scarcely	ندرتاً، بندرت	Not once	هرگز		
Neither	و همچنین نه	Seldom	ندرتاً	At no time	هرگز		

• Never in all my life have I felt so embarrassed. هرگز در زندگی‌ام آنقدر شرمنده نشده بودم.
• Nowhere have I seen such beautiful weather. هیچ جا چنین هوای خوبی ندیده‌ام.
• Hardly had they reached Edinburgh than they were ordered to return to London.
هنوز به ادینبورگ نرسیده بودند (به سختی به ادینبرگ رسیده بودند) که به آنها دستور داده شد به لندن برگردند.
• Seldom do we receive any apology when mistakes are made. ما به ندرت عذرخواهی دریافت می‌کنیم وقتی اشتباهاتی رخ می‌دهند.
• Only half the guests had arrived by seven o'clock. تنها نیمی از مهمانان تا ساعت هفت رسیده بودند.
• No sooner had I sat down than there was a loud knock on the door. به محض اینکه نشستم ضربهٔ بلندی بر در کوبیده شد.
• At no time did I ever say or suggest or even hint that she should lie about what I was doing.
من در هیچ زمانی هرگز نگفتم یا پیشنهاد نکردم یا حتی اشاره نکردم که او درمورد آنچه من انجام می‌دادم، دروغ بگوید.

اختصاصی ۹۵

• Not only ..... whales among the largest animals that ever lived, but they are also among the most intelligent.

1) are 2) some 3) are they 4) there are

• وال‌ها نه تنها جزو بزرگترین حیواناتی هستند که تاکنون زیسته‌اند، بلکه جزو باهوش‌ترین آن‌ها نیز هستند.
● با توجه به وجود قید محدود کنندهٔ Not only در ابتدای جمله، بعد از آن به ساختار وارونه نیاز داریم، یعنی ابتدا فعل و سپس فاعل. بنابراین گزینهٔ ۱ صحیح است.

تذکر **در ساختارهایی که با قیدهای منفی آغاز می‌شوند، وارونگی در جمله‌وارهٔ دوم رخ می‌دهد.**

Not until / Only if / Not since / Only when / Only once / Only after / ...

• Not until I take a rest will I be able to clean my desk. تا زمانی که استراحت نکنم، نخواهم توانست میزم را تمیز کنم.
• Only if I hit the targets will I get a bonus. فقط اگر من به هدف بزنم، جایزه خواهم گرفت.
• Not since he failed an exam have I seen him studying. از زمانی که او از امتحان افتاد، او را در حال درس خواندن ندیده‌ام.
• Only when she released an album did she star in rock music. تنها زمانی که او یک آلبوم منتشر کرد، در موسیقی راک ستاره شد.
• Only later did I understand what she meant. تازه بعدها فهمیدم منظورش چه بود.
• Only once you have understood the recipe will you be able to cook the food.
فقط زمانی که شما دستور پخت را بفهمید، خواهید توانست غذا را درست کنید.
• Only after she finished her speech with her fans was she able to relax.
تنها پس از اینکه او سخنرانی خود را با طرفدارانش تمام کرد، توانست استراحت کند.

■ **در موارد زیر نیز وارونگی اتفاق می‌افتد**

❶ **در جملات شرطی که فعل جمله وارهٔ شرط were، should یا had (شرطی نوع سوم) باشد. برای توضیحات بیشتر به صفحهٔ ۳۵ رجوع کنید.**

❷ **چنانچه so یا such به همراه صفت یا قید در ابتدای جمله بیاید و فعل جمله، فعل ربطی باشد.**

• So high were the waves that they were crashing into the boat and it began to fill with water.

امواج آنچنان بلند بودند که به قایق برخورد می‌کردند و قایق شروع کرد به پر شدن از آب.

• Such is the elegance of this typeface that it is still a favourite of designers.

این سبک چاپی حروف آنقدر ظریف است که هنوز مورد علاقهٔ طراحان است.

• Such an extraordinary story was it that no one believed a word of it.

آن داستان آنقدر غیر عادی بود که هیچ‌کس حتی یک کلمه از آن را باور نکرد.

• Such a sense of relief did I feel when I finally got my exam results.

حسی آسودگی بسیارزیادی به من دست داد زمانی که نتایج امتحاناتم را دریافت کردم، .

❸ **چنانچه there و here در ابتدای جمله قرار گیرد به شرط آن که فاعل ضمیر نباشد.**

• Here comes the taxi! — این هم (از) تاکسی.
• Here's the money you lent me. — بفرمایید این هم پولی که به من قرض دادید.
• Here are some pictures of John when he was little. — این هم بعضی از عکس‌های جان وقتی کوچک بود.
• There goes the last bus (= we've just missed it). — آن هم آخرین اتوبوس که راه افتاد. (آن را از دست دادیم.)
• There remain several questions still to be answered. — هنوز چندین سؤال مانده که باید پاسخ داده شوند.

❹ **هرگاه قید زمان و مکان در ابتدای جمله قرار گیرد مشروط بر آن که فعل جمله، فعل لازم (ناگذر) باشد.**

• First Lewis will give a TV interview. Then comes the main news conference.

اول لوئیس مصاحبه تلویزیونی خواهد داشت. بعدش کنفرانس خبری اصلی برگزار خواهد شد.

تذکر **در بعضی موارد، جای فعل و فاعل به‌طور کامل عوض می‌شود به شرط آن که کلمه یا عبارت بیان‌کنندهٔ مکان، مفرد و وجود آن عبارت برای تکمیل جمله ضروری باشد.**

• In the closet are the clothes that you want. — لباس‌هایی را که می‌خواهید در کمد هستند.
• Beyond the mountains lies the town where you will live. — آن‌سوی کوه‌ها شهری قرار دارد که شما در آن‌جا زندگی خواهید کرد.
• In the forest are many exotic birds. — در جنگل پرندگان غیر بومی زیادی وجود دارند.

❺ **برای تأکید خاص روی صفت یا قید، می‌توانیم آن ها را قبل از though بیاوریم به ویژه آن که به دنبال آن‌ها فعل ربطی به کار رود. در این صورت، صفت یا قید در ابتدای جمله و قبل از though قرار گرفته و به دنبال آن فاعل و فعل می‌آید.**

• Strange though it may seem, I like housework. — هر چند ممکن است عجیب به نظر برسد، (اما) من کارِ خانه را دوست دارم.
• Poor though her family was, they would never ask for help. — با وجود اینکه خانواده‌اش فقیر بود، آن‌ها هرگز تقاضای کمک نکردند.
• New though the car is, it rattles. — با آن که اتومبیل نو است، تلق تلق می‌کند.

تست: صفت‌ها و قیدها

■ **Choose the correct answer.**

315. Yesterday, it was ..... day for me. It was ..... day of my life.
1) very bad - worst
2) a very bad - the worst
3) very bad - worse
4) a very bad- very worse

316. Betty is staying at home. Her cold is a lot ..... today.
1) more bad
2) better than
3) better
4) worse

317. It's getting more ..... to find a cheap hotel.
1) hardly
2) and more difficult
3) and very difficult
4) difficult than

318. Paul and I played tennis yesterday. He's much ..... me, so he won ..... .
1) as good as - easy
2) better than - easily
3) the best of - easily
4) better than - easy

319. All three cameras look ....., but which one is ..... to use?
1) good - the easiest
2) good- easier
3) well - the easiest
4) well - the easier

320. The weather today is ..... yesterday, but it is still quite nice to go out for a walk.
1) as cool as
2) more cooler
3) cooler than
4) the coolest

321. Yesterday I bought a ..... shirt which was so beautiful.
1) nice pink Turkish cotton
2) nice pink cotton Turkish
3) nice Turkish pink cotton
4) pink nice Turkish cotton

322. The food they served ..... I expected it to be.
1) wasn't as nice as
2) nicely wasn't
3) as it wasn't nice as
4) it wasn't as nicely

323. I was ..... lonely that my parents bought me a puppy.
1) very
2) such
3) too
4) so

324. Pineapples are not commercially produced in North America ..... .
1) and are coconuts either
2) and not coconuts either
3) and neither are coconuts
4) and neither coconuts nor

325. The new pens require ..... than ordinary pens do.
1) the thicker ink
2) a thicker ink
3) the ink is thicker
4) an ink and thicker

326. Only once ..... to the opera in the whole time I was in Italy.
1) I went
2) did I go
3) I had gone
4) had I gone

327. You talked to her ..... that I don't think she'll be coming back.
1) so rude
2) very rude
3) so rudely
4) very rudely

328. You and I don't agree. In other words, your ideas are not ..... .
1) same as me
2) same as mine
3) the same as mine
4) the same as me

329. Now that they both had their hair cut, the twins looked even ..... .
1) to be likely
2) more alike
3) much likeable
4) with likelihood

330. ..... the wallet, ... the head.
1) Fatter- emptier
2) The fatter- the emptier
3) The fattest- the emptiest
4) It's the fattest- it's the emptiest

331. Little ..... I'd become president of the company.
1) I thought
2) did I think
3) I had thought
4) had I thought

332. The more the customer complained, ... the manager became.
1) more unpleasant
2) the more unpleasant
3) most unpleasant
4) the most unpleasant

333. Some of the things are ..... small ..... without a microscope.
1) too – to see
2) very – to see
3) so – that don't see
4) such – that don't see

۱۱۸ ۳ «اگر مادرت اینجا بود، مطمئن هستم اجازه نمی‌داد همه آن شکلات‌ها را بخوری.»
● were در جملهٔ شرط نشان دهنده شرطی نوع دوم است و بنابراین جواب شرط به زمان آینده در گذشته و یکی از دو گزینهٔ ۳ یا ۴ است (به خاطر wouldn't). همان‌گونه که می‌دانید، با توجه به این‌که در این نوع شرط اشاره به زمان حال است، گزینهٔ ۳ صحیح است. عبارت «I am sure» ربطی به نتیجه شرط ندارد و می‌توان آن را حذف کرد.

۱۱۹ ۱ «الف: فکر می‌کنم کلیدهایم را در خانه‌تان جا گذاشته‌ام. آیا آن‌ها را دیده‌اید؟»
ب: نه، اما وقتی به خانه برسم، نگاهی خواهم کرد. اگر آن‌ها را پیدا کردم، به شما خواهم گفت.
● از مفهوم جملهٔ دوم کاملاً آشکار است که اشاره جمله به زمان آینده است، یعنی شرطی نوع اول. در این شرطی، فعل جملهٔ شرط به زمان حال و فعل جواب شرط به زمان آینده است. بنابراین گزینهٔ ۱ صحیح است.

۱۲۰ ۳ «نمی‌دانم اگر برایش اتفاقی می‌افتاد، چکار می‌کردم؟»
● عبارت I don't know تأثیری در زمان جمله بعد از خود ندارد چون فقط یک مقدمه چینی برای جملهٔ اصلی است که از نوع شرطی زمان حال است و دربارهٔ عملی غیر محتمل صحبت می‌کند (...اگر برایش اتفاقی می‌افتاد؟). با توجه به اینکه فعل جمله شرط به زمان گذشته ساده است (happened)، برای جواب شرط I'd do می‌آوریم که مخفف I would do است.

۱۲۱ ۱ «اگر شغل را بدست آورم، به تهران نقل مکان خواهم کرد. اگر نه (اگر بدست نیاورم)، در اهواز خواهم ماند.»
۱) اگر نه ۲) اگر این‌طور است ۳) ای‌کاش ۴) فقط به شرط اینکه
● جواب سؤال با توجه به معنی جمله کاملاً مشخص است. از if not و if so برای اجتناب از تکرار جمله قبلی استفاده می‌کنیم.

۱۲۲ ۴ «همه مردم می‌توانند دوست باشند، حتی اگر زبان و آداب و رسومشان متفاوت باشد.»
۱) اگر، چنانچه ۲) فقط به شرط اینکه ۳) مگر اینکه ۴) حتی اگر
● پاسخ به سؤال از معنی گزینه‌ها کاملاً روشن است. برای بیان وقوع یک امر غیر منتظره از even if استفاده می‌کنیم.

۱۲۳ ۲ «عفونت احتمالاً به بخش فوقانی بدن سرایت خواهد کرد مگر اینکه کنترل شود.»
۱) فقط به شرط اینکه کنترل شود ۲) مگر اینکه کنترل شود ۳) حتی اگر کنترل نشود ۴) مگر اینکه کنترل نشود
● برای پاسخ این سؤال کافی است گزینه‌ها را بدقت معنی کنید. حرف ربط شرطی unless (مگر اینکه) معادل if ... not است.

۱۲۴ ۱ «الف: اگر فضا نورد بودی، دوست داشتی کجا می‌رفتی؟»
«ب: به مریخ می‌رفتم و می‌دیدم که آیا کسی آنجا زندگی می‌کند.»
● این سؤال و جواب که از کتاب درسی دوازدهم انتخاب شده است، شرطی نوع دوم (زمان حال) است که دربارهٔ یک عمل غیر محتمل صحبت می‌کند. دقت کنید که if درجمله پاسخ، حرف ربط شرط نیست، بلکه یک حرف ربط به معنی « ... که آیا ...» است، که برای ربط یک جملهٔ سؤالی از نوع Yes/No question به جمله دیگر استفاده می‌شود، بنابراین گزینه‌های ۳ و ۴ را کنار می‌گذاریم. از بین گزینه‌های ۱ و ۲ گزینه ۱ را انتخاب می‌کنیم چون در شرطی نوع دوم اشاره به زمان حال است و lives صحیح است.

۱۲۵ ۲ «اگر به شما یک دوربین ارزان قیمت پیشنهاد می‌شود، آن را نخرید. احتمالاً سرقتی است.»
۱) دارید پیشنهاد می‌کنید ۲) پیشنهاد می‌شود ۳) پیشنهاد خواهید کرد ۴) پیشنهاد شده است
● پاسخ به این سؤال دقت بیشتری لازم دارد. در این جمله you فاعلِ فعلِ offer (پیشنهاد کردن) نیست، بلکه مفعول است که جانشین فاعل شده است. به معنی جمله دقت کنید: اگر به شما یک دوربین ارزان قیمت پیشنهاد شود ... . (نمی‌گوییم: اگر یک دوربین ارزان قیمت ~~پیشنهاد کنید~~ ...)، و لذا فعل جمله باید مجهول باشد. با توجه به مفهوم جمله که بر یک عمل همیشگی دلالت دارد، گزینهٔ ۲ (زمان حال ساده) صحیح است.

۱۲۶ ۲ دوست ندارم فکر کنم چه اتفاقی ممکن بود بیفتد اگر او اندکی سریع‌تر رانندگی کرده بود.
● جمله‌وارهٔ شرطی به زمان گذشتهٔ کامل استمراری است و نوعی گذشتهٔ غیر ممکن را بیان می‌کند، پس شرطی نوع سوم است و در جملهٔ پایه به زمان آینده در گذشتهٔ کامل نیاز داریم. عبارت I'd like to think تأثیری در انتخاب ما ندارد.

۱۲۷ ۳ پلیس به موتورسواران توصیه می‌کند که فقط اگر سفرشان کاملاً ضروری است، به سفر بروند.
● ۱) مگر اینکه (اگر نه) ۲) گویا، انگار ۳) تنها اگر، فقط اگر ۴) مبادا

۱۲۸ ۴ از این تراژدی می‌توانست جلوگیری شود اگر خدمهٔ کشتی اصول ایمنی را رعایت کرده بودند.
● با توجه به زمان گذشتهٔ کامل در جمله‌وارهٔ شرطی، با ساختار شرطی نوع سوم (گذشته) مواجهیم و در جملهٔ نتیجهٔ شرط نیاز به آینده در گذشتهٔ کامل داریم. اما چون تراژدی نمی‌تواند کنندهٔ کار باشد، باید به شکل مجهول نیز باشد، یعنی گزینهٔ ۴.

۱۲۹ ۱ اگر به خاطر کمک شما نبود، ما از تصادف جان سالم به در نبرده بودیم.
● با توجه به فعلِ جملهٔ شرط که به زمان گذشتهٔ کامل است (hadn't been)، با شرطی نوع سوم مواجهیم؛ بنابراین برای فعلِ جملهٔ نتیجهٔ شرط به آینده در گذشتهٔ کامل نیاز داریم که با توجه به معنای جمله، گزینهٔ ۱ صحیح است.

۱۳۰ ۳ «برای نجات مرد تلاش می‌کردم، اگر شنا بلد بودم.»
۱) تلاش کردم ۲) تلاش خواهم کرد ۳) تلاش می‌کردم ۴) تلاش کرده بودم
● با توجه به وجود فعل گذشته knew در جملهٔ شرط، با شرطی نوع دوم سر وکار داریم، و گزینهٔ ۳ صحیح است.»

۱۳۱ ۳ کاملاً مطمئن هستم اگر جنیفر جای تو بود، همین کار را جور دیگری انجام می‌داد.
● حضور would do در جملهٔ نتیجهٔ شرط نشان می‌دهد که با شرطی نوع دوم سر وکار داریم. چنانکه در درسنامه گفته‌ایم، اگر فعل جملهٔ

۳۰۶ ۴ من هر دوی آنها را بسیار دوست دارم. فکر می‌کنم تا حد زیادی نیز شبیه یکدیگر هستند.
● با توجه به معنای جمله هیچ یک از گزینه‌های دیگر نمی‌توانند در جای به کار روند.
۳۰۷ ۳ شما می‌توانید هر یک از این دو واحد درسی انتخابی را بردارید؛ هر دوی آنها بسیار جالبند.
● با توجه به معنی، جملهٔ دوم به دو واحد درسی در جملهٔ قبل اشاره دارد که فقط با both کامل می‌شود، یعنی گزینهٔ ۳.
۳۰۸ ۲ هر یک از داوطلبین مایل است فرصتی برای بحث کردن درمورد دیدگاه خود داشته باشد.
● صفت کمی all با فعل جمع به کار می‌رود (رد گزینهٔ ۱). صفات کمی every و each با فعل مفرد به کار می‌روند (رد گزینهٔ ۳). whole به معنی (همهٔ، تمام) صفت است و به تنهایی با of نمی‌آید (رد گزینهٔ ۴).

۳۰۹ ۱ بسیاری از گازها، از جمله نیتروژن و اکسیژن در هوا هیچ رنگ یا بویی ندارند.
● عبارت قبل از نقطه چین (Many gases, including nitrogen and oxygen in air, ...) فاعلِ جمله است که در ادامهٔ آن نیاز به فعل زمان‌دار داریم (رد گزینهٔ ۲). گزینهٔ ۳ شروع یک جمله وارهٔ وصفی با ضمیر موصولی which است که باید بلافاصله بعد از موصوف (Many gases) می‌آمد که در آن صورت هم جمله فاقد فعل اصلی و غلط بود. در گزینهٔ ۴، they تکرار فاعل (Many gases) می‌باشد و غلط است.
۳۱۰ ۲ اگر عجله نکنید، قطار را از دست می‌دهیم. وقت بسیار کمی برای تلف کردن داریم.
● از معنی جمله، مفهوم منفی استنباط می‌شود، بنابراین گزینهٔ ۲ صحیح است. چنان‌که می‌دانید little (کم و ناکافی) مفهوم منفی ولی a little (کم ولی کافی) مفهوم مثبت دارد. only little time (فقط وقت کمی) یک ترکیب بی معنی است و نمی توان آن را به جای very little time (وقت خیلی کمی) که مفهوم منفی دارد، به کار برد (رد گزینهٔ ۱). much of time یک ترکیب نادرست است و نیاز به of ندارد (much time) و به دنبال آن مصدر با to می‌آید (رد گزینهٔ ۳). بعد از enough مصدر با to به کار می‌رود (رد گزینهٔ ۴). لازم به ذکر است که برای تأکید بر کم بودن مقدار یا میزان چیزی می‌توانیم از very few یا very little استفاده کنیم.
۳۱۱ ۱ کار خیلی کمی بود که دکترها بتوانند برای نجات بیمار انجام دهند. او بر اثر جراحات وارده در تصادف، جان خود را از دست داد.
● few با فعل جمع به کار می‌رود، بنابراین با وجود فعل مفرد was نمی‌توان از few استفاده کرد (رد گزینهٔ ۲). as far as به معنی «تا جایی که» با معنی جمله هیچ تناسبی ندارد (رد گزینهٔ ۳). little به معنی «کم، اندک» صفت است و مفهوم منفی دارد و با اسامی غیر قابل شمارش به کار می‌رود، اما در این جمله جایگزین ترکیب وصفی little work گردیده که با یک جمله‌وارهٔ موصولی توصیف شده و ضمیر آن که that یا which بوده نیز حذف شده است. اصل جمله به صورت « There was little work that the doctors could do .... . » بوده است.
۳۱۲ ۴ اگر نیاز به نصیحت دارید و تصور می‌کنید من می‌توانم مثمرثمر باشم، بسیار خوب، بفرمایید درخواست کنید (تا انجام دهم).
● در جای خالی به ضمیری نیاز داریم که به جای اسمِ advice قرار گیرد. از آنجایی که این اسم غیر قابل شمارش و مفرد است، به جای آن some به کار می‌بریم.
۳۱۳ ۳ او آنقدر کم با امتحان مشکل داشت که ۱۵ دقیقه زودتر جلسه را ترک کرد.
● trouble اسم غیر قابل شمارش است و با little یا a little می‌آید (رد گزینه‌های ۱ و ۲). با اندکی دقت در معنی جمله، درمی یابیم که مشکل گوینده با امتحان بسیار کم بوده است، بنابراین little درست است.
۳۱۴ ۲ هر دختر و پسری در این کشور نیاز دارد قبل از ورود به مدارس دولتی خود را در مقابل بیماری‌های خاص واکسینه کند.
● بعد از صفت every به همراه هر اسمی فعل مفرد به کار می‌رود، بنابراین گزینهٔ ۲ صحیح است. گزینه‌های ۱ و ۳ افعال جمع هستند و فعل گزینهٔ ۴ زمان‌دار نیست، در حالی که به فعل زمان‌دار نیاز داریم.

۳۱۵ ۲ «دیروز برایم روز خیلی بدی بود. بدترین روز زندگی‌ام بود.»
● قبل از اسم مفرد حرف تعریف a به کار می‌رود (رد گزینه‌های ۱ و ۳). در قسمت دوم، یک روز با تمام روزهای زندگی مقایسه شده است و صفت عالی لازم است.
۳۱۶ ۴ «بتی در خانه است. سرما خوردگی‌اش امروز خیلی بدتر است.»
● شکل تفضیلی bad بی‌قاعده و worse است. با توجه به مفهوم جمله (این‌که در خانه مانده است) معلوم می‌شود که حال بتی بدتر بوده و بنابراین گزینهٔ ۴ صحیح است.
۳۱۷ ۲ «پیدا کردن یک هتل ارزان سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود.»
۱) به‌ندرت ۲) و سخت‌تر ۳) و خیلی سخت ۴) مشکل از
● hardly (به ندرت، به‌زحمت) جزو قیدهای تکرار است که شکل تفضیلی ندارد ضمن این‌که در اینجا بعد از فعل ربطی get (شدن) صفت لازم است. وجود and در گزینهٔ ۳، جمله را بی معنی می‌کند. (~~بیشتر و خیلی سخت~~ می‌شود ...) در گزینهٔ ۴ بعد از than طرف دوم مقایسه نیامده است. بنابراین گزینهٔ ۲ صحیح است که more جهت تأکید تکرار شده است.
۳۱۸ ۲ «پاول و من دیروز تنیس بازی کردیم. او خیلی از من بهتر است، بنابراین به آسانی برنده شد.»
● در جای خالی اول مقایسه دو نفر در میان است و صفت برتر می‌آید. در جای خالی دوم بعد از فعل اصلی از قید استفاده می‌کنیم.
۳۱۹ ۱ «هر سه دوربین خوب به نظر می‌رسند، اما کاربردکدام‌یک از همه آسان‌تر(آسان‌ترین) است؟»
● ترجمه فارسی شما را گول نزند. برای مقایسه یک چیز با چند چیز از صفت برترین استفاده می‌کنیم. ضمناً بعد از فعل ربطی look، صفت به‌کار می‌رود نه قید.

۳۲۰ ۳ «هوا امروز از دیروز سردتر است، اما هنوز برای رفتن به بیرون برای پیاده روی تا حدی خوب است.»
● مقایسه بین هوای امروز و دیروز است، بنابراین صفت برتر لازم داریم. اِشکال گزینهٔ ۲، وجود more قبل از cooler است که نادرست است. بد نیست بدانید می‌توانیم برای تأکید روی صفت برتر قبل از آن much بیاوریم. مثلاً much cooler یعنی « خیلی خنک‌تر».

۳۲۱ ۱ «دیروز یک پیراهن نخی ترکی صورتی خوب خریدم که خیلی زیبا بود».
● ترتیب صفات. (کیفیت، رنگ، ملیت، جنس)

۳۲۲ ۱ غذایی که آن‌ها سرو کردند به آن خوبی که من انتظار داشتم، نبود.
● در اینجا خوبی غذای فعلی با آنچه مورد انتظار من بود مقایسه شده است. بنابراین از ساختار as … as استفاده می‌کنیم.

۳۲۳ ۴ من آنقدر تنها بودم که والدینم برایم یک توله سگ خریدند.
● با وجود that clause و صفت lonely به so نیاز داریم.

۳۲۴ ۳ آناناس به لحاظ تجاری در آمریکای شمالی تولید نمی‌شود، و نارگیل هم همینطور.
● برای بیان یک جملهٔ منفی با مفهوم مشابه جملهٔ قبل، از الگوی زیر استفاده می‌کنیم.
فاعل + فعل کمکی(مثبت) + and neither + (منفی) جمله اول

۳۲۵ ۲ خودکارهای جدید نسبت به خودکارهای معمولی نیاز به یک جوهر غلیظ‌تری دارند.
● اسم (ink) بعد از صفت (thicker) قرار می‌گیرد (رد گزینه‌های ۳ و ۴)، همچنین برای اشاره به اسمی که برای شنونده ناشناخته است از حرف تعریف a استفاده می‌کنیم، بنابراین گزینهٔ ۲ صحیح است.

۳۲۶ ۲ فقط یک بار در طول مدتی که در ایتالیا بودم توانستم به اپرا بروم.
● در این جمله once به معنی «یک بار» و only once (فقط یک بار) نشان دهندهٔ محدودیت است، بنابراین درجملهٔ بعد از آن وارونگی رخ می‌دهد. once به معنی «زمانی که، وقتی که» هم هست که اگر در ابتدای جمله بیاید، وارونگی در جملهٔ دوم رخ می‌دهد.

۳۲۷ ۳ تو آنقدر گستاخانه با او صحبت کردی که من فکر نکنم او دوباره به اینجا برگردد.
● به دلیل وجود that clause، گزینه‌های ۲ و ۴ را کنار می‌گذاریم. از طرف دیگر با توجه به فعل talked ، نیاز به قید داریم، نه صفت؛ بنابراین گزینهٔ ۳ صحیح است.

۳۲۸ ۳ من و شما با هم به توافق نمی‌رسیم. به عبارت دیگر، عقاید شما با مال من (عقاید من) یکسان نیستند.
● برای بیان یکسان بودن دو چیز از the same استفاده می‌کنیم (رد گزینه‌های ۱ و ۲). ضمناً، مورد مقایسه ایده‌های دو نفر هستند نه خودِ دو نفر و به ضمیر ملکی نیاز داریم، نه ضمیر مفعولی (رد گزینهٔ ۴).

۳۲۹ ۲ حالا که دوقلوها هردو موهای خود را کوتاه کردند، حتی شبیه‌تر به نظر می‌رسند.
● برای بیان مشابهت دو چیز می‌توانیم از صفت alike (مشابه، شبیه) بعد از فعل ربطی (در اینجا look) استفاده کنیم که با توجه به قید تأکید even (حتی) لازم است شکل تفضیلی آن را به کار ببریم، یعنی گزینهٔ ۲.

۳۳۰ ۲ هر چه کیف پول پرتر، کله خالی‌تر.
● برای مقایسهٔ دو عملی که به موازات یکدیگر تغییر می‌کنند، از ساختار « صفت تفضیلی + the, صفت تفضیلی + the» استفاده می‌کنیم.

۳۳۱ ۲ اصلاً فکر نمی‌کردم که رئیس شرکت شوم.
● Little در این جمله به معنی «اصلاً، ابداً» است و جزو کلمات منفی کننده است که اگر در ابتدای جمله قرار گیرد، جملهٔ بعد از آن شکل سؤالی می‌گیرد (رد گزینه‌های ۱ و ۳). با توجه به این که فعلِ جملهٔ بعد از Little یعنی «think» به عملی در گذشته اشاره دارد، گزینهٔ ۲ صحیح است.

۳۳۲ ۲ مشتری هرقدر بیشتر شکایت کرد، مدیر ناخشنودتر شد.
● برای مقایسهٔ دو عملی که به موازات یکدیگر تغییر می‌کنند، از ساختار « صفت تفضیلی + the, صفت تفضیلی + the» استفاده می‌کنیم.

۳۳۳ ۱ برخی از چیزها بیش از حد کوچک هستند که بتوان آن‌ها را بدون یک میکروسکوپ دید (نمی‌توان دید).
● با توجه به معنی منفی جمله، باید از too و مصدر استفاده کنیم.

۳۳۴ ۴ در حال حاضر، تبلیغات یکی از صنایع کاملاً قانونمند در سراسر دنیاست.
● در این جمله، strictly قید تأکید، regulated صفت و industries اسم است. برای توصیف صفت از قید استفاده می‌کنیم (رد گزینه‌های ۱ و ۲)، و صفت قبل از اسم قرار می‌گیرد؛ بنابراین گزینهٔ ۴ صحیح است.

۳۳۵ ۱ مغازه دار به ندرت هیچ‌گونه از آن نوع کتاب‌های گران قیمت را دارد.
● hardly (به ندرت، به زحمت) یک قید منفی ساز است و با not یا some نمی‌آید.

۳۳۶ ۳ تغییر فاحش در آب‌وهوا آنقدر فوری بود که کاملاً غیر منتظره بود.
● با توجه به معنی جمله، در جای خالی به so (آنقدر) نیاز داریم و پس از آن that clause می‌آید که حتماً باید حاوی فاعل و فعل باشد. بنابراین گزینهٔ ۳ صحیح است.

۳۳۷ ۲ حلقه‌های (سیارهٔ) زحل بیش از حد دور هستند که بدون تلسکوپ از زمین دیده شوند.
● با توجه به مفهوم جمله و وجود مصدر بعد از جای خالی، گزینهٔ ۲ صحیح است.

۳۳۸ ۱ به ندرت چنین غذای خوشمزه‌ای را خورده‌ام.
● با توجه به به قید منفی ساز rarely (به ندرت) در ابتدای جمله، نیاز به وارونگی داریم، یعنی باید جای فعل کمکی و فاعل عوض شود و گزینهٔ ۱ صحیح است. در گزینهٔ ۴، rarely بعد از فعل قرار گرفته که غلط است.

Chapter 2

Vocabulary

FOCUS 1: LESSON 1

1. We will miss him as a worker amongst us and also as a ..... friend who could always brighten the day around here.
   1) devoted 2) cheerful 3) mysterious 4) self-esteemed
2. She had given up her career to ..... herself to the task of keeping house and raising a family.
   1) boost 2) assert 3) graft 4) devote
3. Despite all the efforts of the company's previous president, the new president will undoubtedly ..... some complicated legal problems.
   1) boost 2) inherit 3) review 4) retail
4. Although the new cancer drug has received a lot of interest from medical professionals, its side effects are ..... so the drug is still classified in the testing phase.
   1) instinctive 2) mysterious 3) obscure 4) astonishing
5. A 7 year-old boy was severely burned when the barbecue lighting fluid his father was using suddenly ..... over him.
   1) exploded 2) drifted 3) absorbed 4) gripped
6. Most animals have a mix of ..... behavior, which arises from their genetic programming, and social behavior, which are learned from their parents and, in the case of social animals, their pack or group.
   1) astonishing 2) instinctive 3) cheerful 4) mysterious
7. With close friends in their lives, people develop courage and positive attitudes. Teenagers have the moral support to ..... their obscure individuality; the elderly approach their advanced years with optimism and an interest in life.
   1) devote 2) boost 3) assert 4) retail
8. There is still some hope that the economic blockade will work and make military ..... unnecessary.
   1) intervention 2) longing 3) thrill 4) grafting
9. Your life can be enhanced, and your happiness enriched when you choose to change your ..... .
   1) intervention 2) perspective 3) longing 4) self-esteem
10. According to this article, the ..... on his performance from the playwright "The real-life sons of Charles Felonry" has been positive.
    1) interval 2) drift 3) feedback 4) motivation
11. There's a tremendous amount to see and do in the city, so ..... yourself and don't try to do it all on the first day.
    1) devote 2) assert 3) boost 4) pace
12. Religious people are not necessarily the representatives of their religion. It seems to me that a lot of evil ..... are done in the name of religion.
    1) deeds 2) interventions 3) thrills 4) longings
13. She definitely didn't know what to do about the ..... that went through her at the idea of giving a speech before her peers at school.
    1) thrill 2) mystery 3) boost 4) longing
14. A book of stories of adventure on the sea, which he read over and over again when a boy, had filled him with a ..... for a seafaring life.
    1) boost 2) pace 3) longing 4) thrill
15. They were all gentle and sympathetic and I felt the charm of their ..... as much as I had felt the brilliancy of their essays and poems.
    1) instinct 2) manner 3) self-esteem 4) longing

FOCUS ON VOCABULARY 2

FOCUS 2: LESSON 1

326. He brought a vast amount of information from the most varied and distant sources to ..... his opinions.
1) evolve 2) decline 3) confirm 4) estimate

327. I first began to ..... difficulties when the pressure and workload associated with revising for exams caused me to have a severe nervous breakdown.
1) interact 2) transform 3) contrast 4) encounter

328. These two chemicals ..... with each other at a certain temperature to produce a substance which could cause an explosion.
1) estimate 2) interact 3) encounter 4) manipulate

329. No matter what challenging comments are written under my posts, I try to be a/an ..... person; I am not interested in struggle.
1) neutral 2) estimate 3) complex 4) interactive

330. Although she had been ill for a long time, it still came as a shock when she ..... died.
1) evidently 2) eventually 3) consequently 4) instinctively

331. Is there any scientific ..... that a person's character is reflected in their handwriting?
1) estimate 2) capacity 3) evidence 4) consequence

332. The lighting of the Olympic torch ..... peace and friendship among the nations of the world.
1) declines 2) transforms 3) evolves 4) symbolizes

333. These animals are considered to be in danger of extinction; their numbers are ..... in eastern and central Africa but increasing in southern and west Africa.
1) declining 2) evolving 3) generating 4) manipulating

334. Children at this age recognize the difference between what they are thinking and how they can ..... the thinking of another to serve their own ends.
1) maintain 2) promote 3) manipulate 4) retain

335. In hospitals young children need toys that they can ..... independently, so that parents are free sometimes to focus on medical issues and the healthcare team.
1) interact 2) encounter 3) transform 4) manipulate

336. Researchers state that no single nutrient is the key to good health, but that optimum nutrition is derived from eating a ..... diet, including a variety of fruits and vegetables.
1) global 2) diverse 3) complex 4) neutral

337. Everything about him, from his weary, bored expression to his quiet, measured step, offered a most striking ..... to his quiet, little wife.
1) contrast 2) consequence 3) element 4) evolution

338. Local people have mixed feelings about the planned ..... of their town into a regional capital.
1) evolution 2) environment 3) transformation 4) generation

339. Those who take up such an extreme position regarding his merits have known too little of the state of ..... science, and have limited their comparison to the works of the scholastic theologians.
1) neutral 2) marked 3) estimated 4) contemporary

340. He had only held this post for a few weeks when, in ..... of his refusal to vote with the government against the ending of the house tax, he left both his office and his seat in parliament.
1) capacity 2) consequence 3) decline 4) interaction

341. As the Internet continues to ....., so will the opportunities that eventually integrate themselves into our daily functions.
1) decline 2) encounter 3) evolve 4) interact

پاسخ‌نامه تشریحی تست‌های تألیفی واژگان
FOCUS ON VOCABULARY 1&2

۱ ۲ ما هم به عنوان یک کارگر در بین خود و هم به عنوان رفیقی شاد و سرزنده که همیشه می‌توانست روز ما را شاد کند، دلتنگ او می‌شویم.
۱) فداکار، از خود گذشته ۲) شاد، بشاش، سرزنده ۳) مرموز، اسرارآمیز ۴) دارای عزت نفس

۲ ۴ او دست از حرفهٔ خود کشیده بود تا خود را وقف کارِ خانه‌داری و تشکیل خانواده کند.
۱) ترقی دادن، بالا بردن ۲) اظهار کردن، ادعا کردن ۳) پیوند زدن، قلمه زدن ۴) فدا کردن، وقف ...کردن

۳ ۲ علیرغم تمامی تلاش‌های رییس سابق شرکت، رییس جدید بی‌تردید وارث یک سری مشکلات قانونی پیچیده خواهد بود.
۱) تقویت کردن، افزایش دادن ۲) به ارث بردن، وارث ... شدن ۳) مرور کردن، بازبینی کردن ۴) خرده‌فروشی کردن/شدن

۴ ۳ گرچه داروی جدید سرطان توجه بسیاری از متخصصین حوزهٔ پزشکی را جلب کرده است، اثرات جانبی آن ناشناخته است، بنابراین این دارو هنوز در مرحلهٔ آزمایشی دسته‌بندی می‌شود.
۱) غریزی، ذاتی ۲) مرموز، اسرارآمیز ۳) ناشناخته، نامأنوس، مبهم ۴) شگفت‌انگیز، حیرت‌انگیز

۵ ۱ یک پسر ۷ ساله هنگامی که مایع ویژهٔ اشتعال منقل کبابی که پدرش مورد استفاده قرار می‌داد ناگهان بر روی او منفجر شد، به شدت سوخت.
۱) منفجر شدن، ترکیدن ۲) به حرکت درآوردن یا درآمدن ۳) جذب کردن، در خود کشیدن ۴) محکم گرفتن، چسبیدن به

۶ ۲ اغلب حیوانات آمیزه‌ای از رفتارهای غریزی دارند، که از برنامه‌ریزی ژنتیکی‌شان ناشی می‌شود، و رفتارهای اجتماعی، که از والدین‌شان، و در خصوص جانوران گروه‌زی از دسته یا گروه خود می‌آموزند.
۱) عجیب، شگفت‌آور ۲) غریزی، فطری ۳) بشاش، سرزنده ۴) مرموز، اسرارآمیز

۷ ۳ مردم در زندگی خود روحیه و نگرش مثبت را با دوستان صمیمی تقویت می‌کنند. نوجوانان از حمایت معنوی برای ابراز ویژگی‌های ناشناختهٔ فردی خود برخوردار می‌شوند؛ افراد مسن هم با خوش‌بینی و اشتیاق به زندگی به سالیان پیری خود نزدیک می‌شوند.
۱) وقف کردن، اختصاص دادن ۲) ترقی دادن، فزونی بخشیدن ۳) ابراز کردن، اثبات کردن، ادعا کردن ۴) خرده فروشی کردن/شدن

۸ ۱ هنوز اندک امیدی هست که تحریم اقتصادی اثرگذار باشد و مداخلهٔ نظامی را غیرضروری سازد.
۱) مداخله، دخالت، پا در میانی ۲) اشتیاق، هوس ۳) هیجان، لرز، لرزه ۴) پیوند، قلمه

۹ ۲ زندگی شما ممکن است بهتر شود و شادی شما می‌تواند افزایش یابد هنگامی که تصمیم بگیرید دیدگاه خود را (نسبت به زندگی) تغییر دهید.
۱) مداخله، شفاعت ۲) دیدگاه، بینایی، چشم انداز ۳) اشتیاق، هوس، عطش ۴) عزت نفس

۱۰ ۳ بر طبق این مقاله، بازخورد افراد درمورد اجرای او از نمایشنامهٔ «پسران حقیقی چارلز فلونی» مثبت بوده است.
۱) فاصله، فرجه، وقفه ۲) توده/برف بادآورده، بادآورد، آب آورد ۳) بازخورد، عکس‌العمل ۴) انگیزش، محرک

۱۱ ۴ در این شهر، کارهای فوق‌العاده زیادی برای دیدن و انجام دادن وجود دارد، بنابراین آهسته و پیوسته پیش برو و تلاش نکن همهٔ آن را در روز اول انجام دهی.
۱) وقف کردن، فدا کردن ۲) اظهار کردن، ادعا کردن ۳) تقویت کردن، افزایش دادن ۴) پیمودن، با قدم آهسته رفتن
● (اصطلاح pace yourself به معنی آهسته و بدون شتاب پیشروی کردن است)

۱۲ ۱ افراد مذهبی الزاماً نمایندهٔ مذهب‌شان نیستند. به نظرم می‌آید که اعمال شیطانی بسیاری به نام دین انجام می‌شود.
۱) اعمال، کردار ۲) مداخلات، دخالت‌ها ۳) هیجانات، لرزش‌ها ۴) اشتیاق، آمال

۱۳ ۱ او قطعاً نمی‌دانست با هیجانی که از شنیدن ایدهٔ ارائهٔ سخنرانی درحضور رفقایش در مدرسه به وی دست داده بود، چه کند.
۱) هیجان، لرزه ۲) راز، رمز ۳) ترقی، کمک، تعالی ۴) اشتیاق، آرزو

۱۴ ۳ کتابی که او در زمان کودکی درمورد داستان‌های ماجراهای دریا، خوانده بود، وجود او را سرشار از اشتیاق برای زندگی بر روی دریا کرده بود.
۱) افزایش، ترقی، کمک ۲) سرعت، گام، شیوه، تندی ۳) اشتیاق، آرزو ۴) هیجان، لرزه

۱۵ ۲ همگی آن‌ها آرام و مهربان بودند و من افسون رفتارشان را به اندازه‌ای درک کردم که (قبلا) شکوه مقالات و اشعارشان را دریافته بودم.
۱) غریزه، طبیعت ۲) رفتار، منش ۳) عزت نفس ۴) اشتیاق، میل

۱۶ ۲ با نزدیک شدن امتحانات، مرور کردن یادداشت‌های کلاسی ایدهٔ خوبی به نظر می‌رسد؛ در غیر این صورت، افتادن از امتحان کمترین عواقب ممکن است.
۱) اظهار قطعی کردن، اثبات کردن ۲) مرور کردن، بررسی کردن ۳) وقف کردن، اختصاص دادن ۴) افزودن، کمک کردن، ترقی دادن

۱۷ ۳ من آنقدر در مشکلات خودم غرق بودم و آنقدر به سیاست بی‌تفاوت بودم که به خاطر نداشتم آن روز هم یک روز به یاد ماندنی در کشور من است.
۱) فداکار، از جان گذشته ۲) پریشان، حواس پرت، آشفته ۳) مجذوب، غرق ۴) برانگیخته، دارای انگیزه

۱۸ ۴ ما هر چه در توان داریم برای کمک به ترویج تفریح و سرگرمی انجام داده‌ایم، و هرجایی که امکان پذیر بوده است پارک تفریحی و فضای باز ایجاد کرده‌ایم.
۱) قفه، ایست، فاصله، فرجه ۲) حواس‌پرتی، گیجی، آشفتگی ۳) بازخورد، عکس العمل ۴) تفریح، سرگرمی

۱۹ ۱ کشاورزانِ پنبه‌کار، گندم‌کار و تنباکوکار با شرایط اقتصادی بی‌ثباتی مواجه شدند و حاضر شدند در عوضِ قیمت‌های بالا و تضمینی، محدودیت‌ها را در تولید بپذیرند.
۱) مواجه شدن، برخورد کردن ۲) منفجر شدن، ترکیدن ۳) تحریک کردن، انگیختن ۴) حواس ... پرت کردن، پریشان کردن

۳۱۸ ۱ در انتهای قرن هجدهم، تجارت همچنان حایز اهمیت بود، اما پس از اختراع ماشین‌آلات، احتمالاً به دلیل فقر تولید کنندگان، رو به زوال رفت.
۱) کاهش یافتن، نزول کردن، رو به زوال رفتن ۲) مرتب کردن، منظم کردن؛ در معرض قرار دادن، مستعد کردن
۳) دور انداختن، کنارگذاشتن، رها کردن ۴) نقص، عیب؛ پشت کردن، فرار کردن؛ پناهنده شدن

۳۱۹ ۳ افرادی مثل او زندگی کاری خود را با حل و فصل چالش‌های دفع زباله سپری کردند، اما عموم مردم در مجموع از کوشش‌های آن‌ها ناآگاه بودند.
۱) عیب، نقص، کمبود ۲) احیا، تجدید قوا، تجدید حیات ۳) (زباله) انهدام، از بین بردن، دفع ۴) دردسر، مایه‌ی گرفتاری

۳۲۰ ۴ کالاها به طور مستمر به انبارهای شرکت تحویل داده می‌شدند، که (کالاهای مورد نیاز) از آنجا انتخاب می‌شدند، مجددا بسته‌بندی می‌شدند، و برای فروشگاه‌های خرده‌فروشی ارسال می‌شدند.
۱) اجزای تشکیل دهنده، مؤلفه ۲) عنوان، تیتر روزنامه ۳) اتحادیه، فدراسیون ۴) مخزن، انبار کالا، انبار گمرک

۳۲۱ ۱ صِرف (خودِ) تعداد و تنوع محصولات غذایی، و ترکیب پیچیدهٔ مواد تشکیل دهندهٔ آن‌ها در بسیاری از غذاهای فرآوری شده، یک معضل بزرگ برای هرناظرآینده به نظر می‌رسد.
۱) صِرف، محض، مطلق ۲) منطقه، ناحیه ۳) ارزش، اهمیت؛ مبلغ اضافی ۴) بالقوه، احتمالی، پتانسیل

۳۲۲ ۳ پیشرفت اقتصادی و ارایهٔ خدمات اجتماعی، مانند سلامت عمومی و آموزش، به موفقیت تلاش‌های موجود برای مهار کردن فساد گسترده بستگی دارد.
۱) مطرح ساختن، طرح کردن ۲) کرایه کردن یا دادن ۳) مهار کردن، تحت کنترل ۴) نجات دادن، رهانیدن

۳۲۳ ۳ گالری یک نمایشگاه هنری توسط زنان نقاش ایرلندی به راه انداخته است که در آن می‌توان کارهای هنری چشم‌نوازی را مشاهده کرد.
۱) مهار کردن، جلوگیری کردن ۲) تحت نظر داشتن، با دقت دیدن ۳) راه انداختن، نصب کردن ۴) تبلیغ کردن، به مردم شناساندن

۳۲۴ ۴ ما هیچ راهی برای مواجهه با تودهٔ زباله‌های هسته‌ای خطرناک بریتانیا نداریم- که درهر لحظه امکان دارد منفجر شود یا به بیرون نشت کند.
۱) خارج، برون مرز ۲) عجیب و غریب، ویژه، خاص ۳) دست دوم ۴) خطرناک، پرمخاطره

۳۲۵ ۲ اگر دستگاه مخلوط‌کن شما در طی دو سال اول از تاریخ خرید دچار هرگونه عیبی در مواد سازنده یا طرز کار خود شد، با این ضمانت‌نامه می‌توانید یک دستگاه نو بدون پرداخت هیچ وجهی دریافت کنید.
۱) جلوگیری، بازداشت، زنجیر ۲) عیب، قصور، نقص ۳) ماده، جسم ۴) تهدید؛ موی دماغ، موجب دردسر

⇨ FOCUS ON VOCABULARY 2 ⇦

۳۲۶ ۳ او اطلاعات بسیار زیادی از منابع گوناگون و دوردست آورد تا مهر تأییدی بر نظرات خود بزند.
۱) تکامل پیدا کردن ۲) کاهش پیدا کردن، کم شدن ۳) تأیید کردن، تصدیق کردن ۴) تخمین زدن، سنجیدن

۳۲۷ ۴ در ابتدای امر وقتی که فشار و حجم کار ناشی از مرور دروس برای امتحانات، منجر به بیماری روانی شدید من شد، با مشکلات مواجه شدم.
۱) تعامل کردن،متقابلاًعمل کردن ۲) تبدیل کردن، تغییر شکل دادن ۳) مقایسه کردن، مقابله کردن ۴) مواجه شدن، رو به رو شدن

۳۲۸ ۲ این دو مادهٔ شیمیایی در درجه حرارت خاصی با هم واکنش نشان می‌دهند تا ماده‌ای را تولید کنند که می‌تواند باعث انفجار شود.
۱) تخمین زدن، برآورد کردن ۲) بر هم کنش داشتن ۳) مواجه شدن، رو به رو شدن ۴) با استادی درست کردن

۳۲۹ ۱ مهم نیست چه نظرات چالش‌برانگیزی زیر پست‌های من نوشته می‌شود، من سعی می‌کنم فردی بی‌طرف باقی بمانم؛ من علاقه‌ای به جروبحث ندارم.
۱) بی‌طرف، (حالت) خنثی ۲) برآورد، تخمین ۳) پیچیده، بغرنج ۴) هم کنشی، فعل و انفعالی

۳۳۰ ۲ اگرچه او برای مدتی طولانی بیمار بود، اما هنگامی که در نهایت در گذشت، مرگ او باز هم مثل یک شوک برای همگان بود.
۱) آشکارا، به وضوح ۲) در نهایت، دست آخر ۳) متعاقباً، درنتیجه، بنابراین ۴) به طور غریزی، به صورت فطری

۳۳۱ ۳ آیا هیچ شواهد علمی وجود دارد که نشان دهد شخصیت یک فرد در دستخط او متجلی می‌شود؟
۱) تخمین، گمان ۲) ظرفیت، گنجایش، استعداد ۳) شواهد، مدارک ۴) نتیجه، پیامد، عاقبت

۳۳۲ ۴ شعلهٔ مشعل المپیک نماد صلح و دوستی بین ملل دنیاست.
۱) کاهش دادن، رو به زوال رفتن ۲) تغییر شکل دادن ۳) تکامل یافتن، رشد کردن ۴) نماد چیزی بودن، حاکی بودن از

۳۳۳ ۱ این حیوانات در معرض خطر انقراض محسوب می‌شوند؛ تعداد آن‌ها در مناطق شرقی و مرکزی آفریقا رو به کاهش است، اما در مناطق جنوبی و غربی آفریقا در حال افزایش است.
۱) کاهش یافتن، کم شدن ۲) تکامل یافتن، رشد کردن ۳) تولید کردن، ایجاد کردن ۴) با دست (و مهارت) انجام دادن

۳۳۴ ۳ کودکان در این سن می‌توانند بین آنچه خودشان فکر می‌کنند و اینکه برای رسیدن به اهداف خودشان چگونه تفکر دیگران را به نفع خود استفاده کنند، تمایز قایل شوند.
۱) حمایت کردن از، حفظ کردن ۲) ارتقا دادن، ترویج کردن ۳) به‌نفع خوداستفاده کردن،به کارزدن ۴) نگاه داشتن، حفظ کردن

۳۳۵ ۴ در بیمارستان‌ها کودکان به اسباب‌بازی‌هایی نیاز دارند که بدون وابستگی به کسی با آن‌ها بازی کنند، به طوری که پدر و مادر گاهی آزاد باشند تا بر روی مسایل دارویی و تیم درمانی تمرکز کنند.
۱) تعامل کردن، واکنش داشتن ۲) مواجه شدن، رو به رو شدن ۳) دگرگون شدن، تغییر شکل دادن ۴) بازی کردن با، (با دست) به کار بردن

۳۳۶ ۲ محققان اظهار می‌دارند که هیچ مادهٔ غذایی به تنهایی کلید سلامت کامل نیست، بلکه تغذیهٔ ایده‌ال از خوردن یک رژیم غذایی متنوع حاصل می‌شود، که شامل انواعی مختلفی از میوه‌ها و سبزیجات می‌شود.
۱) جهاتی، کروی ۲) متنوع، گوناگون ۳) مختلط، پیچیده، بغرنج ۴) بیطرف، خنثی

۳۳۷ ۱ همه چیز درمورد او، از حالت چهرهٔ رنجور و کسل او گرفته تا قدم‌های آرام و شمرده‌اش، تضاد چشمگیری با زن ساکت و کوچک او نشان می‌داد.
۱) تضاد، مغایرت ۲) نتیجه، عواقب، پیامد ۳) عامل، عنصر ۴) تکامل، تحول، سیر تکاملی

۳۳۸ ۳ مردم محلی احساسات جورواجوری درمورد تبدیل طرح‌ریزی شدهٔ شهر کوچکشان به مرکز شهرستان پیدا کرده‌اند.
۱) تکامل، تحول ۲) محیط زیست، اطراف ۳) تبدیل، تغییر شکل، دگرگونی ۴) نسل؛ تولید

۳۳۹ ۴ افرادی که درمورد شایستگی‌های او اینچنین موضع افراطی می‌گیرند، اطلاعات بسیار اندکی از ماهیت علوم معاصر دارند، و مقایسهٔ خود را براساس آثار عالمان الهیاتِ قرون وسطی محدود کرده‌اند.
۱) بی طرف، خنثی ۲) نشان‌دار؛ چشمگیر، قابل ملاحظه ۳) تخمینی، برآوردشده ۴) معاصر، امروزی، جدید

۳۴۰ ۲ او این سمت را تنها برای چند هفته حفظ کرد، که پیامد امتناع او از رأی دادن به دولت در مخالفت با خاتمه دادن به مالیات‌گیری از خانه بود، او هم ادارهٔ خود را از دست داد و هم کرسی خود را در مجلس.
۱) ظرفیت، گنجایش؛ استعداد ۲) نتیجه، پیامد، عواقب ۳) کاهش، نزول، سقوط ۴) تعامل، فعل و انفعال

۳۴۱ ۳ به موازات اینکه اینترنت رو به سوی تکامل می‌رود، فرصت‌هایی که در نهایت خود را با عملکرد روزمرهٔ ما در هم می‌آمیزند نیز رو به تکامل خواهند رفت.
۱) کاهش یافتن، رو به زوال رفتن ۲) مواجه شدن، برخورد کردن ۳) تکامل پیدا کردن، تحول یافتن ۴) تعامل داشتن، فعل و انفعال داشتن

۳۴۲ ۲ وضعیت واقعی این است که قیمت مسکن در شانگهای همین الآن هم فراتر از ظرفیت درآمد مردم شانگهای است.
۱) فرایند، پروسه ۲) ظرفیت، گنجایش؛ توانایی ۳) طیف، گستره، محدوده ۴) نتیجه، عاقبت، پیامد

۳۴۳ ۱ برج اداری سبز- آبی دقیقاً نقطهٔ مقابل ساختمان‌های آجری سنتی است که در خیابان ردیف شده‌اند.
۱) نقطهٔ مقابل، تضاد ۲) ظرفیت، گنجایش؛ استعداد ۳) شواهد، مدارک ۴) پیچیدگی، بغرنجی؛ درهمی

۳۴۴ ۳ بر اساس ارزیابی خود از شرایط بازار، شرکت تصمیم گرفته است سهام‌ها را در این برههٔ زمانی خریداری نکند.
۱) ظرفیت، گنجایش، استعداد ۲) عواقب، پیامدها ۳) ارزیابی، سنجش ۴) دستکاری، مخدوش‌سازی

۳۴۵ ۱ انجام یک دسته‌بندی طبیعی از این خطوط به وضوح کار پیچیده‌ای خواهد بود، به طوری که با وضعیت فعلی دانش خود، بهترین کار این است که فعلاً سه دستهٔ مذکور در بالا را حفظ کنیم.
۱) حفظ کردن، نگه داشتن ۲) اصرار کردن، پافشاری کردن ۳) بخشیدن، اعطا کردن ۴) تطبیق دادن؛ موافقت کردن

۳۴۶ ۳ هنگامی که پارچهٔ مصنوعی با پارچهٔ طبیعی مقایسه می‌شود، تفاوت بسیار آشکار است.
۱) متمایز، مجزا ۲) سخت، انعطاف ناپذیر؛ جدّی ۳) آشکار، معلوم ۴) متنوع، گوناگون

۳۴۷ ۴ شاید هیچ شهری وجود نداشته باشد که همهٔ آنچه را که می‌لند به خاطر آن مشهور است، در خود جمع کرده باشد- غذا، فرهنگ، و اهمیت تاریخی.
۱) ارزیابی، سنجش ۲) تمایز، تفاوت ۳) استقلال، عدم وابستگی ۴) اهمیت؛ معنی، مفهوم

۳۴۸ ۳ بهترین راه برای تغییر رفتارهای بین نسلی این است که در صدد برآییم به اذهان جوانان که خیلی آسان‌تر درگیر می‌شوند و به روی نمونه‌های مثبت تنوع، باز هستند، نزدیک شویم.
۱) اتصال، برخورد، تماس ۲) تمایز، فرق، تفاوت ۳) رفتار، دیدگاه، گرایش ۴- عواقب، پیامد

۳۴۹ ۲ پس از تمام شجاعت‌های او در جنگ، بالاترین مدال کشور به خاطرِ دلاوری‌هایش (در جنگ) به او اعطا شد.
۱) سازگار بودن؛ مطابقت کردن ۲) اعطا کردن، بخشیدن ۳) نشان‌دار کردن، علامت گذاردن ۴) مواجه شدن، برخورد کردن

۳۵۰ ۴ قبل از جنگ، اندیشهٔ تعادل قدرت در اروپا اذهان قدرت‌های بزرگ دنیا را به خود مشغول کرده بود.
۱) ستیزه، ناسازگاری، تضاد ۲) تماس، برخورد، ارتباط ۳) توافق، سازگاری؛ شباهت ۴) اندیشه، فکر

۳۵۱ ۱ قوانین نیویورک به کسانی که قبل از درخواست بازرسی، عضو کلیسا بوده‌اند، حق بازرسی اعطا می‌کند.
۱) اعطا کردن، بخشیدن به ۲) وفق دادن، مطابقت کردن ۳) در تضاد بودن، مغایرت داشتن ۴) ارتباط برقرار کردن با، تماس گرفتن با

۳۵۲ ۱ تصمیم به اینکه شما کجا باید خود را با قوانین وفق دهید و کجا آزادترید که به دلخواه خود عمل کنید به موقعیت و بازیکنان دیگر بستگی دارد.
۱) وفق دادن، مطابقت کردن ۲) اصرار کردن، پافشاری کردن ۳) بخشیدن، اعطا کردن ۴) نگهداشتن، حفظ کردن

۳۵۳ ۴ اگرچه به سهولت قابل تشخیص نیست، اما تمایز آشکاری بین گویش‌هایی که در این دو منطقه با آن سخن می‌گویند، وجود دارد.
۱) مطابقت، وفق، سازگاری ۲) ارزیابی، سنجش ۳) استقلال، آزادی ۴) تمایز، تفاوت، فرق

۳۵۴ ۴ غلبهٔ سنت‌های دانشگاهی آشکارا توسط گروه‌های بزرگ ذی‌نفع در آموزش و نیز در جامعهٔ وسیع‌تر مورد حمایت قرار می‌گیرد.
۱) مفهوم، ادراک ۲) قومیت، قومیت گرایی ۳) فرایند، جریان ۴) غلبه، چیرگی، نفوذ

۳۵۵ ۳ ضرورت دارد که تضاد بین برنامه‌های والدین‌تان با اهداف‌تان را حل و فصل کنید.
۱) تمایز، فرق، تفاوت ۲) تسلط، تفوق، برتری ۳) تضاد، مغایرت، ناسازگاری ۴-توافق، سازگاری؛ همسانی

۳۵۶ ۱ ایده این بود که جنبه‌های مختلف خانه را بدون تغییر ویژگی‌های اساسی آن به شکل نوینی درآورند.
۱) نما، منظر؛ جنبه، وجه ۲) مفهوم، درک، تصور کلی ۳) عامل، عنصر ۴) طرز برخورد، روش و رفتار

۳۵۷ ۲ کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی تنها اخیراً به طور نسبی گنجاندن موضوع جنسیت به عنوان یک موضوع قابل بررسی درکنار طبقهٔ اجتماعی یا قومیت را آغاز کرده‌اند.
۱) ظرفیت، گنجایش؛ استعداد ۲) قومیت، قومیت‌گرایی ۳) غلبه، چیرگی، برتری ۴) استقلال، عدم وابستگی

۳۵۸ ۱ مانند اغلبِ شرکت‌های آمریکایی دیگر با سلسله مراتب سفت و سخت، کارگران و مدیران وظایف تعریف شدهٔ دقیقی داشتند.
۱) سفت و سخت، انعطاف‌ناپذیر ۲) واضح، آشکار، مسلّم ۳) مهم؛ چشمگیر، قابل ملاحظه ۴) پهناور، گسترده؛ فراوان

Chapter 3

Sentence Structure

ساختار جمله (Sentence Structure)

در این بخش که شامل ۵ سؤال است از داوطلبان خواسته می‌شود که از بین ۴ گزینه (۴ جمله) یکی را که به لحاظ معنا دار بودن، ساختار گرامری، ترکیب و چیدمان کلمات صحیح است، انتخاب کنند. بر خلاف آنچه که ممکن است در ظاهر به نظر بیاید، در خیلی از موارد پاسخ دادن به این سؤالات در مقایسه با سؤالات بخش گرامر ساده‌تر است زیرا:

۱) ساختار برخی از گزینه‌ها بسیار به هم ریخته و نامأنوس هستند و براحتی می‌توان نادرستی آن‌ها را تشخیص داد. برای مثال به گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ در سؤال زیر توجه کنید.

• **Choose the sentence with the best order.** (کنکور اختصاصی ۱۴۰۰)

1) You can get to my house on foot is very easy and it only takes about 25 minutes.
2) Getting to my house on foot is very easy and only takes about 25 minutes.
3) In order get on foot very easily to my house only takes about 25minutes.
4) By getting to my house on foot is very easy and only takes about 25 minutes.

۲) در اغلب گزینه‌ها بیش از یک اشکال گرامری وجود دارد و تشخیص تنها یک مورد از آن‌ها کافیست که آن گزینه را کنار بگذاریم.

• **Choose the sentence with the best order.** (کنکور ۸۴)

1) Her parents made her to stop going skiing after her leg had seriously hurt.
2) Her parents made her stop to go skiing after her leg had been seriously hurt.
3) Her parents made her to stop to go skiing after her leg had seriously hurt.
4) Her parents made her stop going skiing after her leg had been seriously hurt.

• **Choose the sentence with the best order.** (کنکور اختصاصی ۱۴۰۰)

1)The two small, beautiful, oval, ancient, red, porcelain Chinese vases are priceless.
2)The two, ancient, oval, beautiful, red, small Chinese porcelain vases are priceless.
3)The two beautiful, small, oval, ancient, Chinese porcelain, red vases are priceless.
4)The two beautiful, small, oval, ancient, red, Chinese porcelain vases are priceless.

نکته مهم: در پاسخ به سؤالات ساختار جمله، سعی کنید قبل از هر چیز یک درک کلی از مفهوم جمله پیدا کرده و معنی آن را تا حد امکان حدس بزنید.

تست‌های ساختار جملهٔ کنکور منحصراً زبان (۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱)

Directions: Choose the sentence with the best order for each of the following series. Then mark the correct choice on your answer sheet.

تست‌های ساختار جمله کنکور ۱۳۹۰ - (داخل کشور)

1.

1) Although Jack has taken many different types of medicine, but one medicine has had almost the same effect as another.
2) Although Jack has taken many different types of medicine, one medicine has had almost the same effect as the other.
3) Jack has taken many types of different medicines, although one medicine has had effect almost the same as the other.
4) Jack has taken many types of different medicines, although one medicine has had effect almost the same as another.

2.

1) The impact that would the new tuition fees have on student enrollment had not been studied before the report to the press was released.
2) The impact that the new tuition fees would have on student enrollment had not been studied before the report to the press released.
3) The impact that the new tuition fees would have on student enrollment had not been studied before the report was released to the press.
4) The new tuition fees had not studied the impact on student enrollment before the report released to the press.

3.

1) Regarded as more than human by some of his followers, many legends have grown up about Buddha.
2) Many legends have grown up about Buddha, who is regarded by some of his followers as more than human.
3) Some of his followers have grown up many legends about Buddha, that he is regarded as more than human.
4) Many legends have grown up by some of his followers about Buddha who regarded him as more than human.

4.

1) When my mother and I came to the United States, I experienced a move from which I felt that I would never recover.
2) I and my mother came to the United States when I experienced a move which from that I felt would never recover.
3) I experienced a move, when I and my mother came to the United States, which I never felt would recover.
4) When my mother and I came to the United States, I felt I experienced a move which never would I recover form.

5.

1) Most North American children begin to work at home, where they have daily or weekly responsibilities, such as washing the dishes and feeding the dog.
2) Where they have daily or weekly responsibilities such as washing the dishes and feed the dog, most North American children begin to work at home.
3) Where they have daily or weekly responsibilities, most North American children begin to work at home such as washing the dishes and feeding the dog.
4) Most North American children begin to work at home such as washing the dishes and feeding the dog, where they have daily or weekly responsibilities.

تست‌های ساختار جمله کنکور ۱۳۹۱ - (داخل کشور)

6.

1) You don’t need take heavy clothes when you go to Bangkok where has the highest average temperatures of any city of the world.
2) You don’t need to take heavy clothes when you go to Bangkok which has the highest average temperatures of any city in the world.

پاسخ‌نامه تست‌های ساختار جملهٔ ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲
SENTENCE STRUCTURE

۱ ۲ گرچه جَک انواع خیلی متفاوتی از داروها را استفاده کرده است، اما هرکدام تقریباً همان اثری را داشته‌اند که دیگری داشته است.
رد گزینهٔ ۱: بر خلافِ فارسی، همزمان با although در جمله‌وارهٔ قیدی، در جملهٔ اصلی but به کار نمی‌رود.
رد گزینهٔ ۳: the same صفتِ effect است، پس باید قبل از آن به کار رود (the same effect).
رد گزینهٔ ۴: مشکل مذکور در گزینهٔ ۳، در اینجا نیز وجود دارد.

۲ ۳ تأثیری که ممکن بود نرخ‌های جدیدِ شهریه بر روی ثبتِ نامِ دانشجویان داشته باشد، قبل از انتشار آن در مطبوعات، مورد مطالعه قرار نگرفته بود.
رد گزینهٔ ۱: در این جمله، would have زمانِ آینده در گذشته است و نمی‌توان آن را از هم جدا کرد.
رد گزینهٔ ۲: در اینجا گزارش، کنندهٔ کار نیست، پس فعل آن باید مجهول باشد، نه معلوم. به علاوه، جایگاه فعلِ released نامناسب است.
رد گزینهٔ ۴: در این جمله، نرخ‌ها نمی‌توانند کنندهٔ کار باشند، پس فعل جمله باید مجهول باشد: had not been studied. به علاوه، the impact هم بخشی از فاعل است و در جای مناسب قرار ندارد. در نهایت، فعل پس از the report باید مجهول باشد، نه معلوم.

۳ ۲ افسانه‌های بسیاری حول و حوش بودا- که برخی از پیروانش وی را موجودی فوق بشری تصور می‌کنند- شکل گرفته‌اند.
رد گزینهٔ ۱: فاعل جمله‌وارهٔ قیدی اول در واقع بودا است، اما در جملهٔ دوم، فاعل legends است. در اینجا با یک ساختار dangle مواجهیم.
رد گزینهٔ ۳: فعل دو قسمتی grow up به معنی «رشد کردن، بزرگ شدن، و در اینجا به معنی شکل گرفتن» است، یعنی فعل ناگذر به مفعول است و نمی‌تواند در معنی «شکل دادن» به کار رود.
رد گزینهٔ ۴: about Buddah باید بعد از فعل بیاید، نه در آخر جمله. همچنین، عبارت ... by some of his باید به انتهای جمله منتقل شود. جمله‌وارهٔ موصولی قیدی ... who regarded .... نمی‌تواند برای موصوف بودا به کار رود. برای اصلاح، باید فعل را مجهول کرد: ... who is regarded as.

, I felt I experienced a move which never would I recover form.

۴ ۱ هنگامی که مادرم به ایالات متحده آمد، من شوکی را تجربه کردم که تصور می‌کردم هرگز از آن بهبود نخواهم یافت.
رد گزینهٔ ۲: چنانچه فاعل ترکیبی از I و فاعل دیگری باشد، معمولاً ابتدا آن فاعل را می‌آوریم، سپس I؛ پس my mother and I صحیح است. به علاوه، عبارت which from that غلط است، چون هم حاوی دو ضمیر موصولی است، هم بعد از حرف اضافه that به کار نمی‌بریم. فعل would نیز فاقد فاعل است.
رد گزینهٔ ۳: علاوه بر ترتیب فاعل‌های «من و مادرم»، فعل would نیز بدون فاعل است.
رد گزینهٔ ۴: عبارت which never would I recover form فاقد ترتیب صحیح است. شکل صحیح آن در گزینهٔ ۱ آمده است.

۵ ۱ اغلب کودکان آمریکای شمالی کار کردن را از خانه آغاز می‌کنند، که در آن وظایف روزمره یا هفتگی مانند شستن ظروف و تغذیهٔ سگ را بر عهده دارند.
رد گزینهٔ ۲: در این گزینه، جای جملهٔ اصلی با جمله‌وارهٔ موصولی عوض شده است. به علاوه، بعد از حرف ربط and باید از فعل هم‌پایه یعنی feeding استفاده کرد.
رد گزینهٔ ۳: این جمله نیز حاوی مشکل شمارهٔ ۱ است. نمی‌توان جمله‌وارهٔ توصیفی را بدون موصوف در ابتدای جمله به کار برد.
رد گزینهٔ ۴: مشخص نیست جمله‌وارهٔ وصفی انتهای جمله به چه موصوفی اشاره دارد.

۶ ۲ شما هنگام رفتن به بانکوک- که بالاترین درجه حرارت را در بین تمام شهرهای دنیا دارد- نیازی به برداشتن لباس گرم ندارید.
رد گزینهٔ ۱: بعد از فعل need به مصدر نیاز داریم (to take). به علاوه، چون Bangkok فاعلِ جمله توصیفی بعد از خود است، which صحیح است، نه where.
رد گزینهٔ ۳: همان‌طور که ذکر شد، ضمیر موصولی مناسب برای این جمله، which است، نه in which.
رد گزینهٔ ۴: علاوه بر فقدان to قبل از need، به جای where it باید از which استفاده کرد.

۷ ۳ زمانی که ما در ایران از تعطیلات خود لذت می‌بردیم، کلیهٔ ساختمان‌ها و پل‌ها در ژاپن در اثر سونامی تخریب شدند.
رد گزینهٔ ۱: ساختمان‌ها و پل‌ها کنندهٔ کار نیستند، پس به فعل مجهول نیاز داریم، نه معلوم.
رد گزینهٔ ۲: علاوه بر مشکل گزینهٔ ۱، سونامی فاعل واقعی است، و باید با by بیاید، نه with (از این کلمه قبل از ابزار انجام کار در جملهٔ مجهول استفاده می‌کنیم). همچنین، فعل enjoy نیاز به حرف اضافهٔ from ندارد.
رد گزینهٔ ۴: مشکل with و from مذکور در گزینه‌های قبلی، تکرار شده است.

۸ ۲ دانشمندانی که بر روی دلایل موفقیت پروژه کار می‌کردند، به پیشرفت‌های ارزشمندی نایل شدند.
رد گزینهٔ ۱: از ابتدای جمله تا قبل از کاما به عنوان فاعل جمله صحیح است (که در آن researching عبارت توصیفی کوتاه شده است)، اما نیازی به کاما نیست و پس از آن صرفاً یک فعل ماضی ساده نیاز داریم، نه اسم مصدر.
رد گزینهٔ ۳: بعد از The scientists، برای توصیف دانشمندان به ضمیر موصولی who نیاز داریم.
رد گزینهٔ ۴: عبارت اول تا قبل از کاما یک جملهٔ صحیح است، اما مشخص نیست فعل بعد از کاما چگونه به جملهٔ قبل متصل می‌شود. جمله با یک حرف ربط و یک فعل مناسب مانند and made صحیح است.

Chapter 4

Language Functions

کارگردهای زبان (Language Functions)

۱ بخش Language Functions درکنکور اختصاصی زبان انگلیسی تا قبل از آزمون دی‌ماه ۱۴۰۱ شامل ۱۰ سؤال بود که از این تاریخ به ۵ سؤال تقلیل یافت. این سؤالات توانایی داوطلبان را در رابطه با عبارت‌ها و اصطلاحاتی که در گفتگوهای روزمره کاربرد دارند مورد ارزیابی قرار می‌دهد و می‌توان آن‌ها را به سه گروه تقسیم کرد:

گروه اول: کلمات، عبارت‌ها و اصطلاحاتی که در کتاب درسی و کتاب کار زبان انگلیسی متوسطهٔ اول و دوم به کار رفته و داوطلبان با آن‌ها آشنا هستند.

گروه دوم: عبارت‌ها و اصطلاحاتی که در کتاب‌های دوره دبیرستان کاربردی نداشته‌اند و داوطلبان عزیز با آن‌ها آشنایی قبلی ندارند؛ اما می‌توان معنی آن‌ها را با توجه به واژه‌های به کار رفته در این اصطلاحات حدس زد.

گروه سوم: عبارت‌ها و اصطلاحاتی که برای داوطلبان و دانش آموزان کاملاً نا آشنا هستند و داوطلبان عزیز لازم است معنی آن‌ها را حفظ کنند.

۲ در این بخش در ابتدا سؤالات کنکور منحصراً زبان مربوط به بخش Language Functions سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ ارائه و در ادامه لیستی از صدها عبارت و اصطلاح مهم و پرکاربرد، همراه با معنی آن‌ها آمده است. لازم به ذکر است که کلمات، عبارت‌ها و اصطلاحات ارائه شده در این قسمت تنها بخش کوچکی از این عبارت‌ها و اصطلاحات در زبان انگلیسی را در بر می‌گیرد و بسیاری از آن‌ها دارای معانی دیگری نیز هستند که لازم است در این مورد به یک فرهنگ لغت معتبر مراجعه شود.

تست‌های کارکردهای زبان کنکور اختصاصی ۱۳۹۰ - داخل کشور

A: Could you please give me some help?
B: (1) ----------
A: I kept (2) ---------- my History 101 paper, and it's due next week.
B: If you want to pass the course, you've got to write that paper.
A: I know. I thought that since you're a history major, you could help me (3) ---------- a topic for my paper.

1. 1) By the way 2) With what? 3) What's more 4) You're welcome
2. 1) tripping over 2) calling off 3) putting off 4) getting through
3. 1) make up 2) pass on 3) get over with 4) come up with

A: Do you think you'll be able to find someone else to head this committee?
B: No problem. You are (4) ----------!

4. 1) in the dark 2) off the hook 3) in the red 4) out of the blue

A: Do you know who Carl (5) ---------- for the lead part?
B: Peter.
A: Peter? I thought that Terry did a much better job of acting.
B: (6) ----------, but he doesn't sing as well.

5. 1) wrapped 2) related 3) pointed 4) picked
6. 1) Actually 2) Come on 3) Perhaps 4) Never mind

A: Can you think of the answer to the last question?
B: I need just a minute. It's (7) ----------.

7. 1) on my mind 2) as hard as nails 3) out of the question 4) on the tip of my tongue

A: Could you hand me the wrench, please?
B: (8) ---------- Where is it?
A: In the toolbox next to the car.
B: (9) ----------. Do you need any help under there?
A: (10) ----------. As soon as I change these spark plugs, the engine should run smoothly.

8. 1) Sure 2) Here goes 3) I'd love to 4) How come
9. 1) I bet 2) Go ahead 3) Sounds fine 4) Here you are
10. 1) Let's go 2) All right 3) No, thanks 4) So far, so good

تست‌های کارکردهای زبان کنکور اختصاصی ۱۳۹۱ - داخل کشور

We (11) ---------- a lot of photographs because it was (12) ---------- day. As I (13) ---------- the corner, I (14) ---------- a glimpse of the house through the trees. A long (15) ---------- beach (16) ---------- for miles in front of us. Unfortunately, the new hotel (17) ---------- the view of the castle.

11. 1) made 2) took 3) put 4) caught
12. 1) such a beautiful 2) so horrible 3) such stormy 4) so a boring
13. 1) got 2) turned 3) returned 4) gained
14. 1) made 2) took 3) did 4) caught
15. 1) sanded 2) sandy 3) prosperous 4) pure
16. 1) ran 2) reached 3) lengthened 4) stretched
17. 1) stopped 2) blocked 3) jammed 4) ended

Bob: I think it's about time I got myself one of these electric massage chairs.
Ann: (18) ----------.

A

a bit rusty کند و کاهل شدن در کاری، ناواردتر از سابق در انجام کاری
a breeze بسیار راحت و سهل‌الوصول
a fat cat خرپول، گردن کلفت
across town آن طرف شهر، آن سوی شهر
act up شروع به درد کردن، ملتهب و دردناک شدن
a piece of cake بسیار ساده و آسان،مثل آب خوردن
a screw loose یه تختهاش کم است
after all با این وجود، بعد از همهٔ این حرف‌ها، هر چه باشد
after my own heart به دنبال خواستهٔ قلبم
a little something (هدیه) یک مبلغ یا چیز اندک
all along در طول، از اول تا آخر
all bark but no bite لاف توخالی، خالی‌بندی، حرف مفت
all brawn and no brain از نظر جسمی قوی، اما خنگ و کم‌هوش
all honesty با کمال تأسف (باید بگویم)
all on your own کاملاً دست تنها، به تنهایی
all or nothing علی السویه، بی تفاوت- یا همه یا هیچ
all set to کاملاً آماده
all thumbs دست و پاچلفتی
arrive on the dot درست سر موقع رسیدن، کاملاً بهنگام رسیدن
any number of things تعداد زیادی از یک چیز خاص
as a matter of fact در حقیقت، راستش
as a rule به طور کلی، عموماً
a far as I am concerned تا جایی که من می‌دانم
as pale as death رنگ پریده، مثل مرده
as yet تا حالا، هنوز
ask someone a favor در حق کسی لطفی کردن
at each other's throats دعوا کردن، به جان همدیگر افتادن
at the end در نهایت، دست آخر

B

back on one's feet
دوباره روی پای خود ایستادن، دوباره سلامتی خود را به دست آوردن
back out کناره‌گیری کردن، جا زدن، کنار رفتن ؛ عهد شکنی کردن
back road کوره راه، جادهٔ خاکی و فرعی
bang up صدمه زدن به، ضربه زدن یا خوردن
bank on something روی چیزی حساب باز کردن
basket case عاجز، وامانده، مستأصل
bank on something روی چیزی حساب باز کردن
basket case عاجز، وامانده، مستأصل
be after something در جستجوی چیزی بودن
be bananas ابله، احمق، خل
be in sales در بخش فروش کار کردن
be my guest خواهش می‌کنم، بفرمایید
be after something در جستجوی چیزی بودن
be on good terms with someone با کسی مهربان و صمیمی بودن
be sold out فروخته شد، تمام شد
be rolling in money توی پول غلت خوردن، ثروتمندبودن
be speechless لال شدن، هنگ کردن (در اثر شگفتی یا ضربه و غیره)
beat around the bush حاشیه رفتن، از اصل مطلب دور شدن
be onto someone
(اخلاق و رفتار) کسی را شناختن، با مرام کسی آشنا بودن
beats me من چه می‌دانم.
beggars can't be choosers
شما نمی‌توانی به هرچه می‌خواهی دست پیدا کنی، آدم نیازمند حق انتخاب ندارد.
bells and whistles تجهیزات جانبی غیرضروری، زلم زیمبو
bend over backwards
خود را به آب و آتش زدن، تمام تلاش خود را کردن
beside oneself عصبانی، آشفته، برافروخته
better safe than sorry
پیشگیری بهتر از درمان است، احتیاط شرط عقل است.
beyond my head فراتر از حد درک من
booked solid کاملا رزرو شده، کاملا پر شده
black and white همه یا هیچ، سیاه سفید
black-and-blue (کبود) در اثر ضربه یا کتک
Bless you عافیت باشه
break into دستبرد زدن، سرقت کردن
break something to someone
خبری را به کسی اطلاع دادن (معمولاً خبر بد)
break out تاول زدن، شیوع یافتن، جوش زدن، ناگهان آغاز کردن یا شدن
break the ice یخ اولیه را شکستن، آغاز صحبت و دوستی با کسی
break up قطع شدن، فروپاشیدن
break money خرد کردن پول نقد
build up ساختن، تقویت کردن، بالا بردن یا بزرگ کردن شخصیت کسی
(a) bummer هر چیز ناخوشایند؛ آدم ولگرد
bump into تصادفاً با کسی یا چیزی مواجه شدن
bumper-to-bumper traffic ترافیک سنگین، ماشین پشت سر ماشین
burnt to a crisp بسیار برشته، سوخته، مانند زغال
burst out زیر (خنده و گریه و غیره) زدن
by any chance تصادفاً، احتمالاً
by the way راستی، ضمناً

C

call it a day تعطیل کردن کار
call off صرف نظر کردن؛ لغو کردن
call something to one's attention
حواس کسی را به موضوعی جلب کردن.
can I start you off with … آیا مایلید غذای خود را با ... شروع کنید؟
can't make heads nor tails of
اصلاً از چیزی سر در نیاوردن، نفهمیدن.
can't stand the pace به گرد پای کسی نرسیدن
can't wait that long (من) نمی‌توانم اینقدر صبرکنم.
catch someone off guard شگفت‌زده کردن، غافلگیر کردن
catch upon رسیدن به، عقب افتادگی را بر طرف کردن، جلو زدن از

catch up on something از پس کار سختی برآمدن
catch up with به گرد پای کسی یا چیزی رسیدن
cheapskate خسیس، چشم تنگ، بخیل
cheat on خیانت کردن (در رابطه)
check in نام نویسی کردن (کنفرانس...)، تحویل گرفتن (اتاق، هتل، ...)
check it out بررسی یا ارزیابی کردن چیزی
close call خطری که از بیخ گوش انسان بگذرد، از خطر جستن
close the deal انعقاد قرارداد، نهایی کردن قرارداد
come down with something شروع به مریض شدن
come in موجود بودن (در اندازه، رنگ یا جنس خاص)
come on بجنب، برو بابا، بی‌خیال
come to think of it الان که یادم می‌آید، یادم آمد.
come up with something ایده یا برنامه‌ای داشتن، به ایده‌ای رسیدن
come up with منتج شدن به، ختم شدن به
could use something
مایل به استفاده از چیزی بودن، نیاز به چیزی داشتن
coming right up فوراً (سفارش شما را) می‌آورم، به سرعت می‌آورم
count on someone/something روی کسی یا چیزی حساب کردن
crazy about something شیفتهٔ چیزی بودن، به چیزی علاقمند بودن
cut it close درست لحظه آخر رسیدن، دقیقه نود رسیدن
cut corners سرسری انجام دادن، از کار زدن؛ میانبر رفتن
cross paths سر راه کسی سبز شدن، یکی را تصادفی دیدن
let's cross that bridge when we come to it
پرداختن به مشکل در زمان مقرر، حل مشکل در زمان رخ دادن
cut down on something کم کردن، کاهش دادن
cut out for work
کار بسیار پردردسری در پیش رو داشتن، مصیبت داشتن در سر کار

D

depend on someone به کسی تکیه کردن
did something/anything come up اتفاقی افتاده؟
do someone a favor در حق کسی لطفی کردن
do someone good مفید بودن (به ویژه از نظر سلامتی)
do you mind اشکالی دارد؟
doggy bag
کیسه غذای ماندهٔ رستوران (برای بردن ماندهٔ غذا مثلاً برای سگ)
don't bother خودت را اذیت نکن
don't bottle it up لاپوشانی نکن، مخفی نکن
don't hesitate to ... تردید نکن، تعلل نکن که...
don't go overboard هیجان‌زده نشو، زیاده‌روی نکن
don't mention it (در پاسخ به تشکر) حرفشم نزن، قابلی نداشت
don't hold your breath خیلی امیدوار نباش، دلت را خوش نکن
don't put words into my mouth حرف توی دهنم نگذار
don't sweat it نگران نباش
down at heel ژولیده، بی سر و وضع
down in the dumps ناراحت، افسرده، دمغ
down on someone's luck بی‌پول شدن، روزگار فقر را سپری کردن
down to earth عملی، قابل اجرا
drag on طول کشیدن، به درازا کشیدن
drive someone nuts عصبی کردن کسی، دیوانه کردن کسی

drop off پیاده کردن کسی در جایی؛ برداشتن؛ تضعیف شدن
رو به افول رفتن- به خواب رفتن
drop off راحت به خواب رفتن، بدون ارادهٔ قبلی خوابیدن

E

earn a living گذران زندگی کردن
easy does it راحت است
eleventh hour دقیقهٔ نود
end up with ختم شدن به چیزی یا جایی که مورد انتظار نبود.
even exchange مبادله کالا با کالا با قیمت برابر

F

face up to با شرایط سخت مواجه شدن، رو در روی حقیقت قرار گرفتن
fair enough منصفانه است
feel awful
واقعاً متأسفم (اغلب زمانی که در یک موضوع احساس تقصیر می‌کنیم)
fender bender تصادف جزئی (اتومبیل)
few and far between خیلی کم، به ندرت، تعداد اندک و محدود
figment of one's imagination
تصورات ذهنی کسی، ساخته و پرداختهٔ خیال کسی
find a bargain چیزی را مفت خریدن، ارزان خریدن
find middle ground حد وسط را پیدا کردن- با بقیه به توافق رسیدن
find out فهمیدن، پی بردن
fill someone in (on something)
اطلاع‌رسانی کردن به کسی، کسی رو در جریان قرار دادن
Fine with me از نظر من خوب است
fine print قانون‌ها، محدودیت‌ها و شرایط یک قرارداد که معمولا با حروف کوچکی تایپ می‌شوند و به همین دلیل به راحتی مورد توجه قرار نمی‌گیرند.
First off اول از همه
first rate درجهٔ اول، عالی
fix up دست و پا کردن، راه انداختن، ترتیب کاری را دادن؛ تعمیر کردن
flag (the waiter) down
پیشخدمت را صدا زدن، با دست به گارسون علامت دادن
(a) flake آدم بی منطق، آدم بی کله
flow with the tide تابع جمع بودن
foot the bill
پرداخت کردن صورتحساب یا قبض (به ویژه زمانی که قیمت کلانی باشد)
for crying out loud ای وای، چقدر بد (در هنگام عصبانیت بیان می‌شود)
For here or to go (در رستوران) اینجا می‌خورید یا می‌برید؟
for old times' sake به یاد قدیم، به خاطر یادبود قدیم
for one thing یکی از مهم‌ترین موضوعات این است که ...
for starters اولاً، قبل از هر چیز، مقدمتاً
for that matter از آن بابت، تا آنجا که به این امر مربوط است
fill out paperwork پر کردن فرم یا فرم‌ها (کاغذبازی)
fully booked کاملاً رزرو شده، اشغال شده

G

garden variety معمولی، پیش پا افتاده
get a move on بجنب، یالا کاری بکن
get along با کسی سازگاری داشتن؛ پیشرفت کردن؛ مکانی را ترک کردن
get around to something
فرصت انجام کاری را داشتن، وقت کردن برای انجام کاری

پاسخ‌نامه تست‌های بخش کارکردهای زبان
LANGUAGE FUNCTIONS

الف: می‌تونید لطف کنید کمی به من کمک بدید؟

ب: (۱) در چه کاری؟

الف: من دائم مقاله‌ی پژوهشی ۱۰۱ تاریخم را (۲) به تعویق انداختم، و الان هفتهٔ بعد آخرین مهلتشه.

ب: اگه می‌خواهی درس را پاس کنی، مجبوری اون مقاله را بنویسی.

الف: می‌دونم. من فکر کردم چون رشتهٔ شما تاریخه، شاید بتونی به من کمک کنی یه موضوعی برای مقاله‌ام (۳) پیدا کنم.

۱ ۲ ۱) راستی، ضمناً ۲) در چه زمینه‌ای؟ در چه کاری؟ ۳) دیگه چی؟ ۴) خواهش می‌کنم.

۲ ۳ ۱) کله پا شدن ۲) صرف نظر کردن، لغو کردن ۳) به تعویق انداختن ۴) قبول شدن؛ رسیدن، دریافت شدن

۳ ۴ ۱) جبران کردن ۲) به موضوع بعدی پرداختن ۳) از شر ... خلاص شدن ۴) [فکر، نقشه، طرح] ارائه کردن

الف: آیا فکر می‌کنی بتونی کسی دیگه را پیدا کنی که بتونه این تشکیلات را اداره کنه؟

ب: مشکلی نیست. شما دیگه (۴) از دردسر نجات پیدا می‌کنی.

۴ ۲ ۱) ناآگاه، غافل، بی‌خبر ۲) آزاد از دردسر، فارغ البال، رها ۳) مقروض، بدهکار ۴) ناگهانی، بدون مقدمه

الف: آیا شما می‌دونی کارل چه کسی را برای نقش اول فیلم (۵) انتخاب کرد؟

ب: پیتر را.

الف: پیتر؟ من تصور می‌کردم که تری خیلی بازی بهتری ارائه داد.

ب: (۶) شاید، ولی به خوبی پیتر آواز نمی‌خونه.

۵ ۴ ۱) (دور چیزی) پیچیدن ۲) نقل کردن، گفتن؛ ربط دادن ۳) اشاره کردن ۴) چیدن؛ انتخاب کردن

۶ ۳ ۱) عملاً، واقعاً ۲) یالّا، زود باش ۳) شاید ۴) مهم نیست

الف: آیا شما می‌تونی جواب سؤال آخر را بدی؟

ب: فقط یک لحظه وقت نیاز دارم. (۷) درست نوک زبونمه.

۷ ۴ ۱) (با be) مشغلهٔ ذهنی داشتن ۲) قوی، عضلانی؛ سنگدل ۳) کاملاً غیر ممکن، نامحتمل ۴) سر زبان، نوک زبان

الف: می‌شه لطفا آچار را به من بدی؟

ب: (۸) البته، کجاست؟

الف: داخل جعبه ابزار نزدیک ماشینه.

ب: (۹) بفرمایید. کمک دیگه‌ای اون زیر نیاز ندارید؟

الف: (۱۰) نه ممنون، به محض اینکه این شمع‌ها را عوض کنم، موتور باید روان کار کنه.

۸ ۱ ۱) البته! ۲) بفرمایید اینجاست. ۳) خیلی دوست دارم. ۴) چطور مگر، چرا؟

۹ ۴ ۱) قول می‌دهم، شرط می‌بندم ۲) بفرمایید، دست به کار شوید ۳) عالیه ۴) بفرمایید خدمت شما

۱۰ ۳ ۱) بیا برویم ۲) بسیار خوب ۳) نه ممنون ۴) تا اینجا که همه چیز خوب پیش رفته

الف: ما یک عالمه عکس (۱۱) گرفتیم، چون روز (۱۲) فوق‌العاده زیبایی بود. هنگامی که پیچ را (۱۳) دور زدم، از بین درختان، نگاهی اجمالی به یه خونه (۱۴) انداختم. یه ساحل طولانی (۱۵) شنی تا مایل‌ها جلوی چشم ما (۱۶) گسترده شده بود. اما متأسفانه، هتل جدید چشم‌انداز قلعه را (۱۷) مسدود کرده بود.

۱۱ ۲ ۱) ساختن ۲) [عکس] گرفتن؛ بردن ۳) گذاشتن ۴) گرفتن

۱۲ ۱ ۱) چنین ... قشنگی ۲) ایتقدر وحشتناک ۳) چنین طوفانی ۴) چنین کسل کننده

۱۳ ۲ ۱) گرفتن ۲) چرخیدن، پیچیدن ۳) برگشتن ۴) کسب کردن

۱۴ ۳ ۱) ساختن ۲) بردن ۳) انجام دادن ۴) گرفتن

● catch a glimpse of یک اصطلاح است، به معنی «نظر اجمالی افکندن به، برای لحظه‌ای دیدن».

۱۵ ۲ ۱) پوشیده از شن ۲) شنی، ماسه‌ای ۳) شکوفا، آباد، موفق، ثروتمند ۴) خالص

۱۶ ۴ ۱) دویدن ۲) رسیدن به ۳) دراز کردن یا شدن ۴) گستردن، گسترده شدن؛ کشیدن

۱۷ ۲ ۱) توقف کردن ۲) مسدود کردن ۳) گیر انداختن، فشردن ۴) خاتمه دادن

باب: فکر می‌کنم وقتشه که من برای خودم یکی از این صندلی‌های ماساژ برقی بخرم.

آن: (۱۸) آخه برای چی؟

Chapter 5

Cloze Test

تست‌های کلوز کنکور اختصاصی ۱۳۹۸ - (داخل کشور)

The rapid increase in global urbanization constitutes one of the greatest issues (1) ..... the world in the coming decades. It is estimated that the global urban population will double over the next 30 years. The most (2) ..... of the world are to be found in the developing world. Cities in these counties are rapidly transforming into mega cities-massive conurbations (3) ..... more than 20 million people.

The rapid (4) ..... of these cities is a reflection of the considerable economic growth in these newly developing economies. The absence of (5) ..... such as roads and water supply in many cities (6) ..... to a lower quality of life for their citizens. In many cities, it has resulted in (7) ..... large-scale slums and shanty towns. Furthermore, the impact of ever-increasing demand for energy, food, goods, and (8) ..... by urban populations is causing degradation of the surrounding environment, (9)..... in turn worsens the migration of rural populations.

On the other hand, urbanization can also have a positive (10) ..... . Countries with highly urbanized populations tend to have a generally higher standard (11) ..... and their economies are more stable. Cities can (12) ..... education, health care, and other services more efficiently than rural areas (13) ..... their advantages of scale and proximity. In both developed and developing countries, cities generate the most wealth and provide extensive opportunities for employment and investment. However, evidence (14) ..... that the prosperity generated by cities does not automatically reduce poverty; (15) ....., in many cities, inequalities between the rich and the poor have increased.

1. 1) to be facing 2) are facing 3) face 4) facing

2. 1) rapidly urbanizing regions 2) regions urbanizing rapidly
3) urbanized regions rapidly 4) regions rapidly urbanizing

3. 1) in 2) of 3) for 4) from

4. 1) issue 2) danger 3) growth 4) likelihood

5. 1) access 2) progression 3) development 4) infrastructure

6. 1) lead 2) leads 3) to lead 4) which lead

7. 1) emerging 2) emerging of 3) the emergence of 4) the emerging

8. 1) are other resources 2) there are other resources
3) other resources 4) other resources are

9. 1) which 2) that it 3) that 4) it

10. 1) merit 2) impact 3) approach 4) analysis

11. 1) of living 2) to live 3) is living 4) whose living

12. 1) display 2) surround 3) consume 4) deliver

13. 1) because of 2) in spite of 3) regardless of 4) since

14. 1) recommends 2) commands 3) expects 4) suggests

15. 1) unless 2) although 3) whether 4) on the contrary

تست‌های کلوز کنکور اختصاصی ۱۳۹۸ - (خارج کشور)

The mind seems to have a negative bias when it comes to interpreting and (16) ..... . The bad things we see (17) ..... more of an impression on us (18) ..... the good things. Negative information is likely to have more impact on our final impression of something than (19) ..... positive information. As we look at the world, it is not (20) ..... rose-colored glasses. We tend to view the world as something more (21) ..... than it is. For example, evidence suggests that, in close personal relationships, bad events have five times the impact of (22) ..... .

پاسخ‌نامه تشریحی تست‌های بخش کلوز
CLOZE TESTS

پاسخ‌نامهٔ کلوز کنکور اختصاصی ۱۳۹۸ - (داخل کشور)

افزایش پرشتاب شهرسازی جهانی یکی از مهم‌ترین موضوعاتی را که دنیا در دهه‌های آتی با آن مواجه خواهد شد، (۱) تشکیل می‌دهد. تخمین زده می‌شود که جمعیت شهرنشین جهان تا سی سال آینده دو برابر خواهد شد. پرسرعت‌ترین مناطق دنیا که در حال تبدیل شدن به شهر هستند (۲) در کشورهای درحال توسعه یافت می‌شوند. شهرها در این مناطق به سرعت در حال تبدیل شدن به ابرشهر هستند- منظومه‌های شهری عظیم با (۳) بیش از ۲۰ میلیون جمعیت.

رشد (۴) سریع این شهرها بازتابی از رشد قابل توجه اقتصادی در این اقتصادهای در حال پیشرفت است. فقدان زیرساخت‌هایی (۵) مانند جاده و منابع آبی در بسیاری از شهرها منجر به کیفیت پایین‌تر زندگی برای شهروندان آن‌ها می‌شود (۶). در بسیاری از شهرها، این گسترش منجر به ظهور (۷) محلات فقیرنشین و شهرهای بیغوله مانند شده است. به علاوه، تأثیر تقاضای روزافزون برای انرژی، غذا، کالاهای اساسی، و سایر منابع (۸) توسط جمعیت شهری به نابودی محیط زیست اطراف می‌انجامد، که (۹) به نوبهٔ خود (مشکل) مهاجرت جمعیت‌های روستایی را بدتر می‌کند.

از طرف دیگر، گسترش شهرنشینی می‌تواند تأثیرات (۱۰) مثبتی نیز داشته باشد. کشورهایی که دارای جمعیت‌های شهری بسیار بالایی هستند، در مجموع از استانداردهای بالاتری از زندگی (۱۱) و از ثبات اقتصادی بیشتری برخوردارند. شهرها به دلیل (۱۳) برخورداری از مزایای مقیاس و همجواری می‌توانند آموزش، خدمات درمانی، و سایر خدمات را بهینه‌تر از مناطق روستایی ارائه دهند (۱۲). هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه، شهرها بیشترین ثروت را تولید می‌کنند و فرصت‌های فراوانی برای اشتغال و سرمایه‌گذاری فراهم می‌کنند. با این وجود، شواهد حاکی از آن هستند (۱۴) که این رونق و شکوفایی ایجاد شده توسط شهرها به طور خودکار فقر را کاهش نمی‌دهد؛ بر عکس (۱۵)، در بسیاری از شهرها بی‌عدالتی و نابرابری بین ثروتمندان و فقرا افزایش یافته است.

۱ **۴** با توجه به معنی جمله، عبارت بعد از جای خالی، یک جمله وارهٔ وصفی برای «one of the greatest issues» است که با which faces شروع می‌شود.چنان که می‌دانید، می‌توان به جای which faces از شکل کوتاه شدهٔ آن، یعنی «facing»، استفاده نمود .

۲ **۱** برای بیان یک اسم مرکب حاوی صفت و قید از ساختار «اسم + صفت + قید» استفاده می‌کنیم.

۳ **۲** قبل از عبارتی که برای توصیف اسم قبل از آن می‌آید از حرف اضافهٔ of به معنی «با، دارای» استفاده می‌کنیم.

۴ **۳** ۱) مسئله، موضوع ۲) خطر، مخاطره ۳) رشد، افزایش ۴) احتمال

۵ **۴** ۱) دسترسی، دست یابی ۲) پیشرفت؛ توالی ۳) توسعه، پیشرفت ۴) زیرساخت، زیربنا، شالوده

۶ **۲** از ابتدای جمله تا قبل از جای خالی، فاعل جمله محسوب می‌شود و حقیقتی را بیان می‌کند؛ بنابراین به فعل حال ساده نیاز داریم و از آنجایی که فاعل جمله (The absence of ...) مفرد است، گزینه ۲ صحیح است.

۷ **۳** با توجه به معنی جمله، برای بیان «ظهور» به یک ترکیب اضافی نیاز داریم، یعنی گزینهٔ ۳.

۸ **۳** با توجه به وجود حرف ربط هم‌پایه ساز and بعد از اشاره به چند اسم که با کاما به هم وصل شده‌اند، در ادامه نیز به یک اسم یا عبارت اسمی همسان نیاز داریم، بنابراین گزینهٔ ۱ صحیح است.

۹ **۱** جای خالی و عبارت بعد از آن، یک جمله‌وارهٔ غیر توصیفی (non-defining) است که بعد از کاما (,) می‌آید و شرحی اضافه بر جملهٔ قبلی می‌دهد. برای اتصال این جمله به جملهٔ قبلی به ضمیر موصولی (که) نیاز داریم. در جمله واره‌های غیر توصیفی (بعد از کاما) that به کار نمی‌رود (رد گزینه‌های ۲ و ۳). در گزینهٔ ۴ نیز عبارت اسمی مورد وصف (degradation of the surrounding environment)، مجدداً در قالب ضمیر it تکرار شده و غلط است.

۱۰ **۲** ۱) شایستگی، لیاقت ۲) اثر، تأثیر ۳) رویکرد، روش ۴) تحلیل، تجزیه

۱۱ **۱** standard با حرف اضافهٔ of می‌آید.

۱۲ **۴** ۱) آشکار کردن، نشان دادن ۲) محاصره کردن، احاطه کردن ۳) مصرف کردن ۴) ارائه دادن، تحویل دادن

۱۳ **۱** ۱) به دلیلِ، به خاطرِ ۲) علیرغمِ، بر خلافِ ۳) با وجود، علیرغم ۴) چون، نظر به اینکه

۱۴ **۴** ۱) معرفی کردن، توصیه کردن ۲) فرمان دادن، امر کردن ۳) انتظار داشتن، توقع داشتن ۴) حاکی از ... بودن، اظهار کردن

۱۵ **۴** ۱) مگر اینکه ۲) اگرچه ۳) که آیا ۴) بر عکس

پاسخ‌نامهٔ کلوز کنکور اختصاصی ۱۳۹۸ - (خارج کشور)

به نظر می‌رسد که وقتی بحث تفسیر کردن و واکنش نشان دادن به آنچه می‌بینیم (۱۶)، پیش می‌آید، ذهن تمایل دارد پیش‌داوری منفی نشان دهد. چیزهای بدی که می‌بینیم تأثیر بیشتری بر روی ما دارند (۱۷) تا (۱۸) چیزهای خوب. احتمال دارد که اطلاعات منفی تأثیر بیشتری بر برداشت نهایی ما از چیزی داشته باشند تا اطلاعات مثبت. نگرش ما به دنیا با (۲۰) عینک خوش‌بینی نیست. ما تمایل داریم دنیا را چیزی خصمانه‌تر (۲۱) از آنچه هست، بنگریم. برای مثال، شواهد نشان می‌دهند که در روابط شخصی صمیمانه، حوادث بد نسبت به حوادث خوب (۲۲)، پنج برابر تأثیر منفی بر روی افراد دارند.

یکی از معدود حوزه‌هایی که در آن (آن‌جا) (۲۳) این سوگیری ممکن است منفی نباشد، در دیدگاه ما نسبت به خودمان است. به‌نظر می‌رسد اکثر افراد تمایل دارند خوبی‌های خودشان را به به یاد بیاورند و بر آن‌ها تأکید کنند، و بدی‌هایشان را کم‌اهمیت جلوه دهند (۲۴).

Chapter 6

Reading Comprehension

مقدمه :

همه شما با درک مطلب و انواع سؤالات آن در آزمون‌های مختلف کلاسی، میان ترم، پایان ترم و نظایر آن آشنا هستید . در کنکور منحصراً زبان ۱۵ سوال از ۷۰ سؤال (حدود ۲۲ درصد) به دو یا سه درک مطلب اختصاص دارد که این امر اهمیت توجه به درک مطلب را در کنکور بیشتر نمایان می‌کند. تفاوت مهمی در مواجهه با درک مطلب بین امتحانات مدارس و کنکور منحصراً زبان وجود دارد و آن زمان اختصاص یافته برای پاسخ به آن‌ها است که در کنکور منحصراً زبان بسیار محدودتر است (حدود ۵ دقیقه برای هر متن ۵ تستی). شاید همین امر است که دانش آموزان را هنگام پاسخ به این بخش از سؤالات دچار استرس و نگرانی می‌کند. در آزمون‌های عادی، معمولاً زمان نسبتا طولانی برای پاسخ به سؤالات در نظر می‌گیرند، به طوری که اغلب این فرصت را دارید که متن را بخوانید، ترجمه کنید و بعد به سراغ سؤالات بروید و در صورت نیاز بارها به متن رجوع کنید. اما در کنکور چنین فرصتی ندارید و نمی‌توانید از چنین الگویی پیروی کنید؛ بلکه لازم است مهارت‌هایی را بیاموزید که به شما کمک کند در کمترین زمان ممکن پاسخ سؤالات را در متن بیابید.

واقعیت این است که برای پاسخ دادن به بیشتر سؤالات درک مطلب نیازی به درک کامل متن ریدینگ نیست و کافی است یک درک کلی از متن داشته باشید. با تسلط به تکنیک‌های ارائه شده در این بخش پی خواهید برد که پاسخگویی به بیشتر سؤالات درک مطلب کنکور منحصراً زبان بسیار راحت‌تر از چیزی است که فکر می‌کردید. در واقع اغراق نکرده‌ایم اگر بگوییم که با تسلط به این تکنیک‌ها قادر خواهید بود تا ۷۰ درصد سؤالات را به راحتی پاسخ دهید.

چند نکته کلی که لازم است برای پاسخ به سؤالات درک مطلب مد نظر داشته باشید :

۱- همانگونه که در مقدمه نیز اشاره شد، در کنکور شما وقت کافی نخواهید داشت که متن ریدینگ را با دقت بخوانید و ترجمه کنید. در واقع نیازی هم به این کار نیست.

۲- با نمونه سؤالات درک مطلب که اغلب شکل ثابت و کلیشه‌ای دارند، آشنا باشید.

۳- متن‌های ارائه شده در کنکور منحصراً زبان تقریباً هیچ ارتباطی با محتوای دروس دوره دبیرستان ندارند.

۴- از وجود کلمه‌های نا آشنا در متن نترسید. بنا نیست متن را ترجمه کنید. کافی است درک کلی از متن بدست آورید، تازه آن هم برای پاسخ به بعضی از سؤالات. حتی بعضی اوقات این کلمات کاملاً جدید یا به اصطلاح غُلنبه سُلنبه ممکن است به شما کمک کنند سریع‌تر پاسخ را پیدا کنید.

سؤالات درک مطلب عمدتاً از این قرارند :

۱- سؤالات مربوط به ایده (موضوع) اصلی یک پاراگراف از متن

۲- سؤالات مربوط به ایده (موضوع) اصلی کل متن

۳- سؤالات مربوط به حدس زدن محتوای پارگراف قبل یا بعدِ متن

۴- سؤالات مربوط به جزئیات و اطلاعات خاص موجود در متن

۵- سؤال در قالب سؤال : سؤالاتی که در قالب ۴ سؤال مطرح شده و اینکه متن به کدام یک از سؤالات داده شده پاسخ می‌دهد.

۶- سؤالات مفهومی و استنباطی

۷- سؤالات مربوط به نقش یا کارکرد یک جمله یا پارگراف

۸- سؤالات مربوط به مرجع ضمیر

۹- سؤالات مربوط به معنی یک واژه در متن

برای هر یک از انواع سؤالات ذکر شده در بالا تکنیک‌ها و روش‌های خاصی وجود دارد که به شما کمک خواهد کرد در کمترین زمان به این سؤالات پاسخ دهید. توصیه می‌شود این تکنیک‌ها را هر چقدر ممکن است با متن‌های مختلف تمرین کنید.

۱ سؤالات مرتبط با ایده یا موضوع یک پارگراف خاص از متن و نحوهٔ پاسخ‌گویی به آن‌ها

پاراگراف یا بند مجموعه‌ای از چند جمله است که بر یک موضوع یا ایده واحد متمرکز است. به طور معمول این ایده در «جملهٔ موضوع» (Topic Sentence) بیان می‌شود که مهم‌ترین و اغلب نخستین جملهٔ پاراگراف است. «جملهٔ موضوع» به ما می‌گوید که در آن پاراگراف درباره چه چیزی بحث شده است و معمولاً با اندکی تورفتگی یا حذف یک خط، از پاراگراف‌های دیگر، جدا می‌شود. به دنبال جملهٔ موضوع، جمله‌های پشتیبان می‌آیند که به شرح و بسط جملهٔ موضوع کمک می‌کنند. پاراگراف ممکن است با یک «جملهٔ نتیجه‌گیری» خاتمه یابد که موضوع اصلی پاراگراف را خلاصه می‌کند، یا نکتهٔ مهمی را درباره‌ی آن یادآور می‌شود. نویسنده در نوشتن همه این جمله‌ها باید مفهوم واحدی را با نظم منطقی بیان کند و شرح دهد.

گاهی سؤال دربارهٔ موضوع اصلی یک پاراگراف از متن است، نه کل متن؛ هرچند، گاهی متن درک مطلب ممکن است فقط یک پاراگراف باشد.چنان‌که قبلاً نیز گفتیم، ایده اصلی هر پاراگراف معمولاً در جملهٔ موضوع بیان می‌شود، و جملاتی که در ادامه می‌آیند، ایده اصلی را بسط

و گسترش می‌دهند. بنابراین معمولاً ایده اصلی یک پاراگراف را می‌توان با خواندن جملهٔ اول آن حدس زد؛ هر چند، این امر عمومیت ندارد و جملهٔ اول ممکن است فقط یک مقدمه چینی باشد و جمله «موضوع» در انتهای پاراگراف یا حتی بصورت جملات یا عبارات پراکنده در متن بیان شده باشند. بنابراین، چنانچه سؤال از موضوع اصلی یک پاراگراف بود، بهتر است کل پاراگراف را سطحی خوانی (skim) کنید. البته لازم است به جملات اول و آخر پاراگراف توجه ویژه داشته باشید.

سؤالات مربوط به موضوع اصلی پاراگراف یا متن به شکل‌های مختلف بیان می‌شوند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- What is the best title for the paragraph/passage? — بهترین عنوان برای پاراگراف/متن چیست؟
- The best title for the paragraph/passage is -------- . — بهترین عنوان برای پاراگراف/متن .... است.
- What does this paragraph/passage mainly discuss? — پاراگراف/متن عمدتاً چه چیزی را مطرح می‌کند.
- What is the main idea of the paragraph/passage? — ایده اصلی این پاراگراف/متن چیست؟
- What is the topic/subject of this paragraph/passage? — عنوان/ موضوع این پاراگراف/متن چیست؟
- What would be a good title for the paragraph/passage? — یک عنوان خوب برای پاراگراف/متن چیست؟
- The second paragraph/passage is mainly concerned with -------- . — پاراگراف/متن دوم عمدتاً در رابطه با .... است.
- The paragraph/passage mainly deals with -------- . — پاراگراف/متن عمدتاً دربارهٔ ... است.
- Which of the following is the best topic for the paragraph/passage?

کدام‌یک از موارد زیر بهترین عنوان برای پاراگراف/متن است؟

- Which of the following best shows the main focus of paragraph ...?

کدام‌یک از موارد زیر نکته اصلی پاراگراف را نشان می‌دهد؟

● **به چند نمونه از سؤالات مربوط به موضوع اصلی پاراگراف که از متن‌های کنکور سراسری سال‌های قبل انتخاب شده‌اند ، توجه کنید:**

پاراگراف ۲ از متن کنکور منحصراً زبان ۹۹ قدیم داخل

In determining the shape and content of his narrative, the writer of prose fiction is constrained by nothing except purely artistic criteria. This does not necessarily make his task any easier than that of the writer of plays and screenplays, who must always be conscious of practical constraints such as budgets, performance time, casting requirements, and so on. The very infinity of choice enjoyed by the novelist is a source of anxiety and difficulty. But the novelist does retain absolute control over his text until it is published and received by the audience. He may be advised by his editor to revise his text, but if the writer refused to meet this condition no one would be surprised. It is not unknown for a well-established novelist to deliver his or her manuscript and expect the publisher to print it exactly as written. However, not even the most well-established playwright or screenplay writer would submit a script and expect it to be performed without any rewriting. This is because plays and motion pictures are collaborative forms of narrative, using more than one channel of communication.

- **What is paragraph 2 mainly concerned with?**

1) Introducing the contemporary offshoots of classical novels
2) Comparing and contrasting novels with plays and screenplays
3) Criteria to use to evaluate the quality of novelists in the modern era
4) Tracing the origin of novels and their expansion in the world of literature

● **پاراگراف ۲ عمدتاً به چه موضوعی مربوط است؟**

۱) معرفی شاخه‌های معاصر رمان‌های کلاسیک
۲) مقایسه و مقابلهٔ رمان‌ها با نمایش‌نامه‌ها و فیلم‌نامه‌ها
۳) معیارهای مورد استفاده برای ارزیابی کیفیت رمان نویسان در عصر جدید
۴) ردیابی منشأ رمان‌ها و بسط آن‌ها در دنیای ادبیات

برای سؤالاتی از این نوع، ابتدا باید به سراغ Topic Sentence «جملهٔ موضوع» بروید، که معمولاً (نه همیشه) اولین جمله پاراگراف است. جمله را معنی کرده و درک خود از موضوع را با هر یک از گزینه‌های داده شده مطابقت دهید . به ترجمه جملهٔ اول این پاراگراف دقت کنید. در این تست با خواندن و درک معنای تقریبی جملهٔ اول، به پاسخ نمی‌رسیم (نویسندهٔ داستان منثور یا رمان در تعیین شکل و محتوای روایت خود صرفاً با معیارهای خالص هنری سروکار دارد). در چنین شرایطی به جملهٔ دوم متن توجه می‌کنیم: «این ضرورتاً کار او را اصلاً ساده‌تر از نویسندهٔ نمایش‌نامه و فیلم‌نامه نمی‌سازد، که .... .». با همین معنای تقریبی درمی‌یابیم نویسنده قصد دارد نوشتن رمان را با نوشتن نمایش‌نامه و فیلم‌نامه مقایسه کند، بنابراین پاسخ ۲ است.

متن ۱ کنکور اختصاصی ۱۴۰۰ - (داخل کشور)

PASSAGE 1:

Another space application that began under government sponsorship but quickly moved into the private sector is the relay of voice, video, and data via orbiting satellites. Satellite telecommunications has developed into a multibillion-dollar business and is the one clearly successful area of commercial space activity. A related, but economically much smaller, commercial space business is the provision of launches for private and government satellites. In 2004 a privately financed venture sent a piloted spacecraft, SpaceShipOne, to the lower edge of space for three brief suborbital flights. Although it was technically a much less challenging achievement than carrying humans into orbit, **its** success was seen as an important step toward opening up space to commercial travel and eventually to tourism. More than 15 years after SpaceShip One reached space, several firms were poised to carry out such suborbital flights. Companies have arisen that also use satellite imagery to provide data for business about economic trends. Suggestions have been made that in the future other areas of space activity, including using resources found on the Moon and near-Earth asteroids and the capture of solar energy to provide electric power on Earth, could become successful businesses.

Most space activities have been pursued because they serve some utilitarian purpose, whether increasing knowledge, adding to national power, or making a profit. Nevertheless, there remains a powerful underlying sense that it is important for humans to explore space for its own sake, "to see what is there." Although the only voyages that humans have made away from the near vicinity of Earth- the Apollo flights to the Moon- were motivated by Cold War competition, there have been recurrent calls for humans to return to the Moon, travel to Mars, and visit other locations in the solar system and beyond. Until humans resume such journeys of exploration, robotic spacecraft will continue to serve in their stead to explore the solar system and probe the mysteries of the universe.

1. What does the paragraph preceding this passage most probably discuss?

1) A type of space application
2) Pros and cons of space exploration
3) A brief history of research on outer space
4) Reasons for government sponsors hip of space exploration

2. The word "its" in paragraph 1 refers to ..... .

1) challenging achievement
2) carrying humans into orbit
3) a privately financed venture
4) a piloted spacecraft called SpaceShipOne

3. Which of the following is projected in the passage as potential space activities in the years ahead?

1) Preventing asteroids from hitting Earth
2) Transferring resources from space
3) Using satellite imagery for business
4) Launches of private satellites

4. The author suggests that the reason why there are recurrent calls for humans to return to the Moon, travel to Mars, and visit other locations in the solar system and beyond is ..... .

1) human s' thirst for competition
2) to refurnish energy resources available on Earth
3) to satisfy man's curiosity about what is there in space
4) pursuit of space activities for more and more utilitarian purposes

5. Why has the author mentioned the "Cold War competition" in paragraph 2?

1) To mention a reason for an activity
2) To warn about the consequence of more rivalry between nations
3) To remind the reader that science can worsen international conflicts
4) To prove that government sponsorship of science often leads to disasters

متن ۱ کنکور اختصاصی ۱۴۰۰ - (داخل کشور)

کاربرد فضایی دیگری که تحت نظارت دولت آغاز شد، اما به سرعت به بخش خصوصی منتقل شد، بازپخش صوت، ویدئو، و داده‌ها از طریق ماهواره‌های در حال چرخش بود. ارتباطات دوربرد ماهوارهای بدل به یک تجارت چند میلیارد دلاری شده است و یکی از حوزه‌های به وضوح موفقیت آمیز، فعالیت فضایی تجاری است. یکی از تجارت‌های فضایی مرتبط، که البته از نظر اقتصادی بسیار کم بهره‌تر است، آماده سازی پرتاب ماهواره‌های خصوصی و دولتی است. در سال ۲۰۰۴ ، پروژه‌ای که توسط بخش خصوصی سرمایه گذاری شده بود، یک فضاپیمای دارای خلبان به نام SpaceShip One را برای سه پرواز کوتاه با بُرد کمتر از یک دور کرهٔ زمین به کرانهٔ کم ارتفاع فضا فرستاد. اگرچه این دستاورد از نظر فنی کمتر از حمل انسان به مدار فضایی چالش برانگیز بود، اما موفقیتش به عنوان گامی مهم در راستای گشودن فضا به سمت سفر تجاری و در نهایت سفر گردشگری محسوب شد. بیش از ۱۵ سال پس از اینکه این فضاپیما به فضا رسید، چندین شرکت آمادهٔ عملیاتی کردن چنین پروازهای زیر مداری شدند. کمپانی‌هایی نیز پدیدار شدند که از تصایر ماهواره‌ای برای تأمین کردن داده‌های لازم برای تجارت بر روی گرایشات اقتصادی استفاده کردند. پیشنهاداتی ارایه شدند مبنی بر این که حوزه‌های دیگر فعالیت‌های فضایی، از جمله استفاده از منابع یافت شده بر روی کرهٔ ماه و سیارک‌های نزدیک سیارهٔ زمین، و تسخیر انرژی خورشیدی برای تأمین نیروی برق بر روی زمین، در آینده می‌توانند بدل به تجارت‌های موفقیت آمیزی شوند.

بیشتر فعالیت‌های فضایی به این دلیل تعقیب می‌شوند که اهداف سودجویانه دارند، چه افزایش دانش، ارتقاء قدرت ملی، و یا کسب سود مادی. با این وجود، هنوز یک حس نهانی قدرتمندی وجود دارد که اکتشاف فضا به خاطر خود فضا و با هدف «دیدن اینکه چه چیزی در آنجاست»، برای انسان‌ها حائز اهمیت است. اگرچه تنها سفرهای فضایی که انسان‌ها به مکانی دور از فضای اطراف زمان انجام داده اند- یعنی پروازهای آپولو با هدف مشاهدهٔ کرهٔ ماه- با انگیزهٔ رقابت در جنگ سرد صورت گرفت، اما فراخوان‌های مکرری برای برگشت انسان‌ها به کرهٔ ماه، سفر به سیارهٔ مریخ، و مشاهدهٔ مکان‌های دیگر در منظومهٔ شمسی و ماوراء آن وجود داشته است. تا زمانی که انسان‌ها چنین سفرهای اکتشافی را از سربگیرند، فضاپیماهای مجهز به ربات، به منظور اکتشاف فضا و کاوش رمز و رازهای جهان به جای آن‌ها به کار گرفته خواهند شد.

۱ ۱ پاراگراف ماقبل این پاراگراف به احتمال زیاد درمورد چه چیزی بحث میکند؟

۱) یک نوع کاربری فضایی
۲) نقاط قوت و ضعف اکتشاف فضایی
۳) تاریخچهٔ مختصری از پژوهش بر روی فضای خارج از جو زمین
۴) دلایل سرمایه گذاری دولت برای اکتشاف فضا

● با نگاهی به اولین جملهٔ متن درمی یابیم که متن با عبارت (کاربری فضای دیگر) آغاز می‌شود که کلید ما در رسیدن به پاسخ این پرسش است؛ یعنی کاربری(های) فضای دیگری در پاراگراف قبل مورد بحث واقع شده‌اند. پس پاسخ صحیح گزینهٔ ۱ است. به همین سادگی!

۲ ۴ کلمهٔ its در پاراگراف اول اشاره دارد به .....

۱) دستاوردهای چالش برانگیز
۲) حمل انسان‌ها به مدار فضا
۳) یک سرمایه گذاری که به صورت خصوصی انجام شده
۴) یک فضاپیمای دارای خلبان به نام SpaceShip One

● می‌دانید که مرجع ضمیر معمولاً در جمله یا جملات قبل از آن قرار دارد. به جملهٔ قبل از its توجه کنید: در جمله وارهٔ قیدی که با although شروع می‌شود، it را می‌بینیم که به فضاپیمای دارای خلبانی اشاره می‌کند که در جملهٔ قبل از آن معرفی شده و در جمله وارهٔ هسته نیز در قالب its تکرار شده است. پس پاسخ صحیح، گزینهٔ ۴ است.

۳ ۲ کدام یک از موارد زیر در متن به عنوان فعالیت‌های فضایی بالقوه در سال‌های در پیش رو منعکس شده اند؟

۱) جلوگیری از برخورد سیارک‌ها به اصابت به زمین
۲) انتقال منابع از فضا
۳) استفاده از تصاویر ماهواره‌ای برای تجارت
۴) پرتاب ماهواره‌های خصوصی

● با اسکن متن برای یافتن کلمات کلیدی «فعالیت‌های فضایی و سال‌های پیش رو» دقیقاً به جمله‌ای در انتهای پاراگراف یک برمی‌خوریم که «استفاده از منابع یافت شده بر روی کرهٔ ماه و سیارک‌های نزدیک سیارهٔ زمین، و تسخیر انرژی خورشیدی» را به عنوان فعالیت‌های فضایی بالقوه مطرح می‌کند، که از بین موارد فوق مورد اول را در قالب « انتقال منابع از فضا» بیان کرده است؛ یعنی گزینهٔ ۲.

۴ ۳ نویسنده اظهار می‌دارد که دلیل فراخوان‌های مکرر انسان‌ها برای برگشت به کرهٔ ماه، سفر به مریخ، و مشاهدهٔ مکان‌های دیگر در منظومهٔ شمسی و ماورای آن ..... می‌باشد.

۱) اشتیاق انسان برای رقابت
۲) برای تجهیز مجدد منابع در دسترس انرژی بر روی زمین
۳) برای اقناع حس کنجکاوی درمورد آنچه در فضا موجود است
۴) پیگیری فعالیت‌های فضایی برای اهداف سودجویانهٔ بیشتر

● با بررسی جملات آغازین پاراگراف ۲ می‌بینیم نویسنده به utilitarian purpose یا اهداف سودجویانه اشاره کرده، سپس با کلمهٔ nevertheless « با این وجود» که برای بیان تضاد به کار می‌رود، به یک انگیزهٔ نهانی اشاره کرده و هدف مردم، یعنی دیدن آنچه در ماورا است را در یک گیومه "to see what is there" بیان کرده است .

۵ ۱ چرا نویسنده به عبارت «رقابت جنگ سرد» در پاراگراف ۲ اشاره کرده است؟

۱) برای ذکر یک دلیل برای یک فعالیت
۲) برای اخطار درمورد تبعات رقابت بیشتر بین ملت‌ها
۳) برای یادآور شدن به خواننده که علم می‌تواند کشمکش‌های بین المللی را بدتر کند
۴) برای اثبات اینکه سرمایه گذاری دولت بر روی علم اغلب به فاجعه منجر می‌شود

مشخصات کتاب

عنوان کتاب	سیگنال ۱۰۰ زبان انگلیسی
گروه سنی	پایه دوازدهم
مؤلفان	ابوالفضل هادی نیا- فاطمه مرادیان فر
قطع کتاب	رحلی
تعداد صفحات	۳۹۲